

تأملی بر یافته‌های پژوهشی فراغت زنان از منظر جامعه‌شناسی

سمیه سادات شفیعی^۱

چکیده

این مقاله با مرور پژوهش‌های صورت گرفته مرتبط با فراغت زنان و تحلیل ثانویه یافته‌های میدانی آنان در قالب تحقیقات کوچک‌مقیاس و نیز تحقیقات پهن‌دامنه از یک سو و ارائه آمارهای جهانی فراغت بر حسب داده‌های در دسترس سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی، به مطالعه تطبیقی فراغت زنان پرداخته و تصویری از وضعیت چگونگی پرداختن به فعالیت‌های فراغتی و نیز موانع فراغت زنان در ایران به دست می‌دهد. داده‌ها بر حسب دوره زندگی زنان ارائه شده و فراغت زنان جوان، میانسال و سالمند را از یکدیگر بازمی‌شناسد. یافته‌ها نشان می‌دهد: فراغت مانند سایر اُبژه‌های اجتماعی تحت تأثیر متغیرهای ساختاری چون طبقه و جنسیت است. رواج برخی الگوهای فراغتی، امتداد انتظارات از نقش سنتی زن را منعکس می‌سازد. در مجموع ضعف‌های اطلاعاتی موجود و نیز فقدان سیاست‌ها و امکانات فراغتی مخاطب‌محور، ضرورت انجام مطالعات جامع‌نگر با توجه به ورود فناوری‌های نوین ارتباطی و نیز فعالیت‌های فراغتی جدید به‌منظور برنامه‌ریزی‌های استراتژیک را ایجاب می‌کند.

واژگان کلیدی: فراغت، تفریح، فراغت زنان، دوره زندگی و تقسیم کار خانگی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال چهارم • شماره پانزدهم • تابستان ۹۴ • صص ۲۷۱-۳۰۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۲/۵

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
(ss.shafiei@gmail.com)

مقدمه

مسائل مربوط به زنان از ابعاد مختلف نظری و میدانی به‌ویژه مطالعات جامعه‌شناختی در چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران علاقمند قرار گرفته است. این توجه هم معطوف به کلیت زندگی اجتماعی زنان و هم متوجه مطالعات تطبیقی کنش‌ها و الگوهای رفتاری دو جنس شده و تا اندازه‌ای متأثر از تغییرات اجتماعی شتابانی بوده که هم دگرگونی ارزش‌ها و باورها را به دنبال داشته و هم زندگی روزمره را از طریق کاربرد امکانات و فناوری‌های ارتباطی نوین دستخوش تحول ساخته است. از جمله حیطه‌هایی که به خوبی تغییرات مذکور را منعکس می‌سازد، اوقات فراغت است. اوقات فراغت زمان لازم برای پرداختن به فعالیت‌های سرگرمی را مهیا ساخته و از طریق انتخاب و میزان پرداختن به فعالیت‌ها ضمن ایجاد اثرات مثبت روحی، جسمی به‌عنوان مؤلفه‌ای از سبک زندگی ضمن ارتباط با رغبت‌های پایدار فرد در بروز انواع رفتارهای مصرفی و نیز قوام‌انگاره‌های هویتی تأثیرگذار است. در حقیقت فرد با پرداختن به انواع فراغت به‌عنوان مؤلفه سبک زندگی، در حلقه داد و ستد معنایی مشارکت می‌جوید که از یک سو سبب رفتارها، نگرش‌ها و انتخاب‌های او در تیپ‌های متفاوت شده و از سوی دیگر با اتخاذ چنین نوعی از فعالیت، معنایی از هویت، نگرش و ارزش‌ها را برای خود و دیگران متبادر می‌سازد. فراغت به خودی خود نیز جبرانی برای خستگی‌ها و رهایی از فشارهای ناشی از وظایف شغلی، استرس‌های محیطی و تنش‌های زندگی شهری به‌شمار رفته و علاوه بر ایجاد حس رضامندی، موجب ذخیره پتانسیل‌های مثبت و به‌کارگیری شایسته آنها دانسته می‌شود. بنابراین گذران فراغت هم در بُعد فعالیت‌های جسمانی و هم فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی بستری برای بروز و بسط شایستگی‌ها و استعدادها، رفع خستگی‌ها و فشارها، کسب لذت و در نهایت به‌عنوان مؤلفه سبک زندگی دارای دلالت‌های فرهنگی اجتماعی و حتی سیاسی قابل تأملی است.

لازم است بدانیم زنان در جوامع مختلف به جهت تجربه محدودیت‌های بیشتر و اعمال

برخی تبعیض‌های جنسیتی، تجربه متفاوتی از زندگی روزمره دارند. هرچند جامعه‌شناسی و حوزه‌های مرتبط آن در دهه‌های اخیر به درک اهمیت نقش جنسیت در مطالعات اجتماعی واقف شده، اما اندک مطالعات انجام شده (چه بسا در ایران) نیز دلایل روشنی در باب تفاوت‌های بنیادین زندگی روزمره در بین دو جنس گرد آورده است. از جمله سیطره کلیشه‌های جنسیتی، اهتمام زنان به فعالیت‌هایی که بیشتر در فضای خصوصی و خانه انجام می‌شود و در دسترس نبودن منابع مالی از جمله موضوعات مهمی است که محدودیت‌های جدی در اتخاذ رویه در زندگی روزمره زنان از جمله پرداختن به فعالیت‌های فراغتی ایجاد می‌کند. منتقدان فمینیست بر این باورند که الگوی مردانه تبیین فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی در این حوزه برای جنس مونث مناسب نیست، چراکه جامعه‌پذیری زنان به دلیل نقش تابعی که دارند، اساساً متفاوت است و از این رو تجربه زیست جهان آنها و معنای آن با جنس مذکر فرق دارد. در نتیجه آنان ارزش‌ها، تعابیر و باورهای متفاوتی را درونی کرده و در قالب هر یک از مؤلفه‌های سبک زندگی از جمله فراغت به شیوه خود بروز می‌دهند.

بر اساس آمارها، زنان نیمی از جمعیت ایران را تشکیل داده و دارای علائق، تأملات و مطالبات خاص خود هستند؛ با گرایش و خواست‌هایی که بر چگونگی حضور آنان به عنوان نیروی محرک اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی تأثیرگذار است. هر چند مطالعات اجتماعی درباره زنان در ایران نوپا است، اهمیت جهانی و نیز ملی پرداختن به وضعیت زنان از چشم تیزبین محققان علاقمند دور نمانده و پژوهش‌های انجام شده می‌تواند ذخیره‌ای برای مطالعات آتی باشد. بر این اساس و با توجه به تمایز جنسیتی که ریشه در باورها و نگرش‌های کلان اجتماعی به موضوع جنسیت دارد، لازم است ویژگی‌های زندگی اجتماعی زنان مورد توجه قرار گیرد. انجام مطالعاتی از این دست ضمن تسهیل روند انباشتگی‌پذیری علم (که کمتر در ایران مورد اعتنا قرار گرفته)، نوعی ارزیابی از تحقیقات انجام شده بوده و به تجمیع، تحلیل و ارزیابی مطالعات میدانی کمک شایانی خواهد کرد. بنابراین از این رهگذر می‌تواند زمینه‌های تحلیل‌های آتی به‌منظور تصویب قوانین و مقررات در قالب سیاست‌گذاری خرد، میانه و کلان با هدف حمایت اجتماعی فرهنگی از زنان را میسر سازد.

این مقاله به دنبال آن است تا بر اساس چارچوب نظری جامعه‌شناسی فراغت زنان به بررسی وضعیت پژوهش‌های انجام شده مرتبط در ایران پرداخته و ضمن تحلیل ثانویه

یافته‌ها، سیمایی از گذران فراغت زنان در ایران به دست دهد. این مهم با هدف اصلاح رویکردهای مطالعاتی و نیز سیاست‌گذارانه از طریق اهمیت بخشی به موضوع فراغت زنان و ویژگی‌های آن بر نیازسنجی مخاطبان برنامه‌های فراغت در جوامع شهری تأکید داشته و آن را لازم می‌شمرد. سؤال‌های این مقاله عبارتند از: با مطالعه پژوهش‌های انجام یافته، از فراغت زنان چه می‌دانیم؟ اوقات فراغت زنان از نظر زمان و نوع فعالیت چگونه است؟ در پژوهش‌هایی که امکان مطالعه تطبیقی وجود دارد، گذران اوقات فراغت در میان دو جنس چه ویژگی‌هایی دارد؟ مطالعه جنسیتی داده‌های جهانی فراغت چه رهیافت‌هایی برای مطالعات بومی ما دارد؟

۱. روش تحقیق

بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و مباحث نظری احصا شده، این پژوهش به تحلیل ثانویه مطالعات پیشین می‌پردازد. مرور آثار پژوهشی بر اساس چارچوب ساختارمندی ممکن شده است. نتایج پژوهش‌های دانشگاهی و روشمند با توجه به دربرگیری بخش‌های اصلی پژوهش از جمله طرح مسئله، ادبیات نظری، روش تحقیق، تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری در قالب مقاله‌های علمی پژوهشی در ابتدای امر به‌طور نظام‌بندی گردآوری و مورد کنکاش و شناسایی قرار گرفتند. سپس به دلیل پراکندگی یافته‌های داخلی فراغت بر حسب جنس از یک سو و اهمیت دوره زندگی زنان از سوی دیگر، در نهایت یافته‌ها بر حسب متغیر دوره زندگی زنان ارائه شد. در نتیجه یافته‌های بیشتری بر حسب این فصل مشترک، مقوله‌بندی شد. در عین حال یافته‌های گزارش تحقیقات پهن‌دامنه با پاسخگویان همه گروه‌های سنی نیز مورد بررسی قرار گرفت تا به تنویر وضعیت فراغت زنان کمک کند.

جامعه آماری این تحقیق شامل پژوهش‌های دانشگاهی و تحقیقات سازمانی است که یافته‌های آن در قالب مقالات علمی پژوهشی مرتبط با موضوع به چاپ رسیده است. به‌منظور انجام مطالعه کلیدواژه‌های فراغت، تفریح و فراغت زنان، در مرکز داده‌های پایگاه اطلاعات علمی (SID)، پرتال جامع علوم انسانی و نورمگز جست‌وجو و ۵۸ مقاله استخراج شد و سپس با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی، یافته‌ها مورد کنترل قرار گرفت. از مجموع موارد احصا شده، تنها آنانی که از منظر جامعه‌شناسی یافته‌های معتبر و روشمندی درباره فراغت زنان داشتند، انتخاب و در نهایت ۱۸ مقاله علمی پژوهشی برای تحلیل نهایی گرد آمد. می‌توان ادعا کرد که در حد ممکن کلیه مقاله‌های

علمی پژوهشی مرتبط با فراغت زنان در ایران با در نظر داشتن روایی و پایایی یافته‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. به لحاظ زمانی مقالات غالباً در دهه ۱۳۸۰ به چاپ رسیده‌اند. همچنین برای ارائه تصویر روشن‌تر از مطالعات انجام یافته فراغت، یافته‌های چند پیمایش پهن‌دامنه نیز مورد کاوش قرار گرفت. توضیح آنکه در مجموع تنها به پژوهش‌هایی که مورد فراغت زنان بود پرداخته نشد، بلکه با جمع‌آوری کلیه مقالات علمی - پژوهشی به چاپ رسیده در حوزه فراغت، تلاش شده در حد امکان داده‌های میدانی بر حسب متغیر جنس گردآوری شود و از این نظر این اطمینان وجود دارد که تا حد امکان کلیه منابع پژوهشی، به‌ویژه دو دهه اخیر مورد مطالعه موشکافانه قرار گرفته است. با مطالعه و تحلیل ثانویه بیشترین تعداد تحقیقات در دسترس انجام شده می‌توان ادعا کرد که شناخت حداکثری از وضعیت فراغت زنان بر حسب یافته‌های میدانی حاصل می‌شود. برای آشنایی با پیشینه موضوع، لازم به نظر می‌رسید با وضعیت فراغت زنان در جهان، به‌طور کلی، مطالعه میزان اوقات فراغت و فعالیت‌های زنان برای گذران فراغت در مقایسه با مردان و نیز در مقایسه با سایر کشورها در صورت ممکن بر حسب سن و وضعیت تأهل اطلاع حاصل کنیم. بنابراین تلاش شد در حوزه مطالعات جهانی فراغت نیز داده‌های بین‌المللی قابل دسترس بررسی و بر حسب مقیاس کشورهای دربرگیرنده گزارش شود. به علت محدودیت‌های رایج ابعاد مقاله و از آنجا که آمارها به خوبی گویای وضعیت جنسیتی فراغت، چه از بعد زمان و چه از بعد نوع فعالیت بود، تنها به آمارهای رسمی بسنده شد و داده‌های مقالات علمی پژوهشی، چنانکه در بخش یافته‌های داخلی دنبال شد، در اینجا مراد نظر نبوده است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

۲-۱. اوقات فراغت

گروه بین‌المللی جامعه‌شناسی اوقات فراغت را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از اشتغالات، که فرد با رضایت خاطر، برای استراحت یا تفریح و یا به منظور توسعه آگاهی‌ها یا فراگیری غیرانتفاعی و مشارکت اجتماعی، داوطلبانه بعد از رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان می‌پردازند» (کوهستانی، ۱۳۷۸: ۵۱).

دومازیه^۱ مولف کتاب به سوی یک تمدن فراغت معتقد است: «اوقات فراغت مجموعه فعالیت‌هایی است که شخص پس از انجام تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی اجتماعی با میل و اشتیاق به آن می‌پردازد و غرضش استراحت، تفریح، توسعه دانش یا به کمال رساندن شخصیت خویش، یا به ظهور رساندن استعدادها، خلاقیت‌ها و یا در نهایت مشارکت آزادانه در اجتماع است» (عصاره، ۱۳۷۷: ۳۰).

استنلی پارکر در تعریف خود از اوقات فراغت، سه حالت را در نظر می‌گیرد: طبق تعریف اول، فراغت عبارت است از: ۲۴ ساعت شبانه‌روز منهای زمان مصرف‌شده برای کار، خوابیدن، خوردن، برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی و غیره. این تعریف، اوقات فراغت را زمان باقی مانده از کار^۲ می‌داند. در تعریف دوم، فراغت اساساً یک دوره زمانی محسوب نمی‌شود، بلکه حالتی کیفی است که از انجام فراغت به انسان دست می‌دهد. تعریف سوم ترکیبی از دو تعریف قبلی است. به عبارتی، ترکیب بعد زمانی فراغت با جنبه کیفی آن: ۱. فراغت زمانی است که یک فرد از سایر وظایف آزاد است و می‌تواند از آن به‌منظور استراحت، گریز از یکنواختی، مراقبت اجتماعی یا پیشرفت فردی استفاده کند و ۲. فراغت تعدادی از فعالیت‌هایی است که فرد می‌تواند به میل خود در آن شرکت نماید، Parker (1976:17-18). هربرت می و دوروتی پتگن می‌نویسند: «فراغت مازاد زمانی است که بعد از انجام کار الزامات عملی زندگی باقی می‌ماند» (May & Petgen, 1928:3). لوندبرگ می‌نویسد: «فراغت عموماً به‌عنوان زمانی تعریف می‌شود که از وظایف رسمی و آشکار که شغل و یا سایر تعهدات اجتماعی بر ما تحمیل می‌کند، آزاد هستیم» (Lundberg, 1964:2). نومیرفراغت را مازاد زمانی می‌داند که بعد از کسر زمان مصروف برای برآوردن وظایف رسمی و الزامات زندگی باقی می‌ماند. فراغت، وقت آزادی است که فرد را قادر می‌سازد آنچه را دوست دارد، انتخاب کند (Neumeyer, 1993:1). همچنین هرگونه فعالیتی که در حین فراغت دنبال می‌شود، چه به‌صورت فردی و چه به‌صورت جمعی از نظر او تفریح است (Ibid:5-6). کراوس معتقد است: «تفریح به وسیله یک انگیزش درونی و یک میل برای رسیدن به رضایت شخصی به حرکت درمی‌آید و نه به وسیله عاملی بیرونی یا سایر اهداف و پاداش‌های خارجی» (Edington, 1993: 11).

-
1. Dumazdeiei
 2. Residual defenition

با توجه به آنچه ذکر شد، ویژگی‌های اوقات فراغت به شرح زیر است:

۱. جدا بودن وقت فراغت از کار و سایر مسئولیت‌ها، ۲. وجود میل و داشتن حق انتخاب: عده‌ای از صاحب‌نظران داشتن حق انتخاب را به‌عنوان بارزترین ویژگی اوقات فراغت بیان می‌کنند. «بارزترین ویژگی اوقات فراغت وجود نیروی انگیزه و عامل مهم انتخاب است. به لحاظ وجود همین میل و انگیزه شخص و انتخاب آزادانه، بهره‌وری از اوقات فراغت، هر هدفی را که به همراه داشته باشد، قطعاً برای فرد خوشایند و مطلوب است» (کوهستانی، ۱۳۷۸: ۶۵-۶۴). ۳. نداشتن انگیزه و نفع اقتصادی: اوقات فراغت ساعتی است که باید بدون اجبار صرف اموری شود که شخص به آن تمایل دارد و تا حد ممکن نباید با نفع اقتصادی همراه باشد یا منبع درآمدی برای شخص محسوب شود. «بدیهی است در غیر این صورت به مرور زمان انگیزه‌های مادی می‌توانند تأثیر خود را در کمیت و کیفیت گذران اوقات فراغت داشته و دو عامل قبلی را تحت تأثیر خود قرار داده، در نتیجه به آثار و نتایج حاصل از گذران اوقات فراغت لطمه اساسی وارد آورد» (همان: ۶۵).

۲-۲. فراغت زنان

در حوزه اوقات فراغت نیز گرین مطالعه خود را با نقد جدی جامعه‌شناسان این حوزه به خاطر تمرکز شدید بر آثار مربوط به جایگاه طبقاتی کارگران سفید مرد، فرهنگ کار دستمزدی و فعالیت‌های تفریحی مربوطه آغاز می‌کند. نگاه فمینیستی با نشان دادن ساختار زندگی زنان و بیان تجارب آنها به زبان خودشان نشان داده که علوم انسانی تا چه حد به اهمیت جنس بی توجه بوده است. از جمله کار تأمل برانگیز پارکر از بانیان جامعه‌شناسی فراغت که تنها به این گفته بسنده می‌کند: «تمایزات الگوی تفریحی زنان و مردان ناشی از تفاوت نقشی است که جامعه برای آنها معنا کرده است. وجود نقش سنتی و مبتنی بر خانه زن، پایین بودن سطح تحصیلات او، نقش اصلی او در شکل مادری، پایگاه حقوقی دست دوم او، تمایزات زیادی در تفریح زنان و مردان ایجاد کرده است. زنان اوقات فراغت کمتری نسبت به همسران خود دارند و طیف فعالیت‌های تفریحی آنان نیز محدودتر است. زنان مجرد بیکار، اوقات فراغت بیشتری دارند. مردان بیشتر به ورزش می‌پردازند و زنان اوقات فراغت خود را بیشتر در کلوپ‌ها و کلیساها می‌گذرانند، به‌ویژه زنان مسن‌تر. علاوه

بر آن بعضی از کارهای منزل نزد زنان تفریح محسوب می شود» (Parker, 1976:87-88).
 گرین می نویسد: «اوقات فراغت زنان مانند آفتاب پرست با تغییر شرایط و جدیت رقبایش رنگ عوض می کند. رقبا قدرتمند و متنوع هستند. در وهله اول برای زنان در نقش مادر و همسر یکی از این رقبا کار است. بنابراین رضامندی دو جنس از گذران اوقات فراغت متفاوت است. مادری که در حین صرف چای هنگامی که کودکانش می خوابند افکارش را جمع می کند، همانقدر از اوقات فراغت خود لذت می برد که مدیری از صرف ناهار با همکار خود در مرکز شهر. برای بسیاری، اوقات فراغت تجربه ای مهم و فرصتی برای استراحت، تغییر و یا زمانی برای خود بودن است» (Green, 1990:1). البته فراغت اصطلاحی نیست که زنان برای توصیف یا اطلاق به بخشی از زندگی شان به کار برند. بیشتر آنان تعریف فراغت را دشوار، مبهم و بی شکل می دانستند. بسیاری از ارائه تعریف عاجز بودند و وقتی آن را به عمل خاص اطلاق می کردند می توانستند تعریفش کنند (Ibid:5).
 کمبود زمان محدودیت آشکار تفریح زنان است. زنان دارای فرزندان خردسال که مجبور به ترک خانه برای کار هستند، در بدترین شرایط قرار دارند. تفریح برای زنان متأهل در خانه و منطبق با شرایط خانواده است. تماشای تلویزیون رایج ترین شکل تفریح زنان متأهل دارای فرزندان خردسال است، چراکه در حین تماشای آن می توانند مراقب بچه ها باشند و به کارهایشان برسند (Hargreaves, 1989:136). گرین و روجک به فعالیت های تفریحی هماهنگ با کار خانگی اشاره می کند (Green, op.cit:24; Rojek, 1995:31). تفریحاتی که در زمان محدود انجام می شود و به راحتی می توان از آن صرف نظر کرد مانند تماشای تلویزیون (Green, 1990:84). همین محدودیت ها باعث شده زنان کمتر به فعالیت های تفریحی بیرون از خانه روی آورند. هارگریوز تأکید دارد فراغت زنان در اکثر موارد محدود به خانه است (Hargreaves, op.cit). دیم نیز در بررسی خود از گذران اوقات فراغت زنان به تفریحاتی اشاره دارد که در خانه و در کنار سایر کارهای روزمره خانگی انجام می شود. او نام تفریحات درون خانه را بر این دسته تفریحات نهاد (Deem, 1982:32). حتی تفریحات درون خانه نیز با جنس مرتبط است. فرن هام و گانتز در مطالعات خود در سال ۱۹۸۹ دریافتند که غیر از تماشای تلویزیون و ویدئو و گوش دادن به رادیو و موسیقی، مردان اوقات فراغت خود را با رایانه و زنان به کتاب خواندن و گوش دادن به موسیقی سنتی می گذرانند (Furlong & Cartmel, 1997:57-8).

کار کردن زنان در بیرون از خانه در وضع آنان تغییری ایجاد نمی‌کند، چراکه این تصور غالب وجود دارد که جای درست زن در خانه است و کار واقعی بیرون از خانه توسط مردان انجام می‌شود (Hargreaves, op.cit). زنان شاغل علی‌رغم کار سخت دستمزدی خود نیز بر این باورند که عهده‌دار کار خانگی هستند (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۷۳). مطالعات بین و مارس نشان داد که حتی در زمانی که شوهران بیکارند باز هم مسئولیت انجام کارخانگی متوجه زنان است (Binns & Mars, 1984:681). با این وجود کسب درآمد، معاشرت با همکاران و برقراری روابط اجتماعی در حوزه عمومی به دور از محدودیت‌های خانواده و اعمال صلاحیده‌ها، تسهیلاتی برای گذران اوقات فراغت زنان با خود دارد (Green, 1990:95-96). همچنین تأکید بر نقش درآمد در حفظ استقلال و برخورداری از حق انتخاب و تصمیم‌گیری در مورد زنان از اهمیت خاصی برخوردار است (Ibid:95; Hargreaves, op.cit:135).

مطالعات نشان داد: رابطه انکارناپذیری بین درآمد و روابط جنسیتی در حوزه فراغت وجود دارد. زنان از لحاظ اقتصادی فرودست‌تر از مردانند و این موضوع نگرش آنان و دسترسی آنان به اوقات فراغت و تفریح را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «اشتباه خواهد بود اگر زنان را گروهی همسان پنداریم. برای مثال نابرابری‌های طبقاتی، نابرابری‌های جنسیتی را در تفریح و ورزش تشدید می‌کند. درآمد موجب می‌شود زنان از کمک سایرین در اداره امور خانه و مراقبت از فرزندان بهره‌مند شوند، پولی برای گذران اوقات فراغت در اختیار آنان باشد و از حمل‌ونقل خصوصی بهره‌گیرند. جای تعجب نیست که زنان طبقه متوسط بیشتر از زنان طبقه کارگر به فعالیت‌های ورزشی می‌پردازند. هرچند اخیراً با افزایش کلوپ‌های حفظ تندرستی، برنامه‌های تناسب اندام، کلاس‌های ایروبیک، ژیمناستیک و سونا روبه‌رو بوده‌ایم، چنین برنامه‌هایی زندگی زنان طبقه کارگر را تحت تأثیر قرار نداده است (Hargreaves, op.cit:137-138).

باید گفت گذران اوقات فراغت زنان بر اساس دوره زندگی آنان دستخوش تغییر می‌شود. از جمله مطالعه گتام و همکاران (۲۰۰۷) در نپال نشان داد: سالمندان در فعالیت‌های فرهنگی از قبیل جلسات مذهبی شرکت می‌کنند (۷۹ درصد مردان و ۸۲ درصد زنان سالمند مشارکت‌کننده در مطالعه). دید و بازدید از جمله دیگر برنامه‌های پرترفدار فراغتی سالمندان بود، به طوری که ۲۲ درصد مردان و ۹ درصد زنان هر روز به دید و بازدید

دوستان و آشنایان خود می‌رفتند. تماشای تلویزیون نیز در میان سالمندان نیالی طرفداران بسیاری داشت، به طوری که ۷۰ درصد مردان و ۶۰ درصد زنان سالمند پاسخگو به تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو می‌پرداختند. استرین و همکاران (۲۰۰۲) در یک مطالعه طولی ۸ ساله در میان سالمندان کانادایی، تماشای تلویزیون را مهم‌ترین فعالیت فراغتی دوران سالمندی گزارش داده‌اند. نتایج مطالعه دیگری در ژاپن توسط اونیشی و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد: تماشای برنامه‌های جذاب تلویزیونی با سطوح بالای شادابی در سالمندان ارتباط دارد. کوتاه آنکه بر اساس مبانی نظری چند ویژگی می‌توان برای فراغت زنان برشمرد:

- زنان در زمینه اوقات فراغت دارای تجارب مشترکی هستند.
 - اوقات فراغت زنان کم و ناچیز است. در همین رابطه پارکر بر رابطه پدرسالاری، تقسیم ناعادلانه کار خانگی و نابرابری‌های فراغت دوجنس تأکید می‌کند.
 - اوقات فراغت زنان بیشتر در خانه سپری می‌شود.
 - فراغت برای زنان مفهومی مبهم دارد.
 - اوقات فراغت زنان در رابطه مستقیم با انجام کار خانگی است.
 - برنامه‌های گذران اوقات فراغت شامل طیف خاصی از برنامه‌ها است.^۱
- فعالیت‌های تفریحی زنان انعطاف‌پذیری بالایی دارد. از جمله فعالیت‌هایی است که مطابق با برنامه کار خانگی و نگهداری از کودکان به سادگی می‌توان از آن دست کشید و یا آن را به زمان دیگر موکول کرد. کمبود انرژی لازم برای فعالیت‌های فراغتی حرکتی، وجود کار خانگی و در دسترس نبودن پول کافی از موانع زنان در دسترسی به اوقات فراغت رضایت‌بخش است. آنچه جامعه برای زنان شایسته می‌شمرد، مقررات اجتماعی، ترس از اعمال خشونت، چه در درون خانه و چه در خارج از خانه، به علت عدم امنیت از محدودیت‌های درجه دوم است. ساده‌تر آنکه نخست زن باید در فواصل کار خانگی وقت بیکاری داشته باشد، انرژی کافی داشته باشد و یا پولی در جیب داشته باشد که بتواند در حوزه عمومی حاضر شده به فعالیت‌های تفریحی شایسته پردازد.

۱. مانند تماشای تلویزیون، گوش دادن به رادیو، طراحی دکوراسیون و کارهای دستی، چون سوزن‌دوزی و قلاب‌بافی. بایلسچکی و هندرسون رابطه خاصی میان فرصت‌های زنان در بازار کار و این طیف از فعالیت‌ها می‌بینند. جمع‌بندی نظر آنها و گفته رابرت مینی بر شهروند بودن درجه دوم زنان گویای تأثیرات عمیق تنش‌های فرعی زنان در حوزه عمومی و خصوصی بر گذران اوقات فراغت آنان است.

۳. مطالعه تطبیقی وضعیت گذران فراغت زنان در جهان

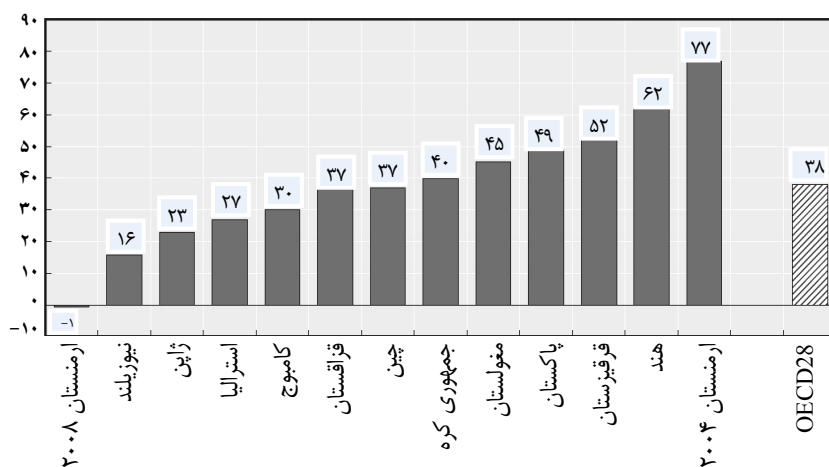
۳-۱. وضعیت کشورهای عضو شورای همکاری و توسعه اقتصادی

فصل نخست گزارش وضعیت کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ در سال ۲۰۱۱ با عنوان «جامعه در یک نگاه» با اذعان به اهمیت کار غیر دستمزدی یا غیر بازاری زنان، پیمایش‌های ناشی از عدم توجه به این مهم را در مقایسه با پژوهش‌های واقف بر این امر غیرقابل مقایسه می‌داند. همچنین این گزارش از ویژگی‌های خاص جوامع در بررسی‌های جامعه‌شناختی غفلت نکرده و به عنوان مثال از گفت‌وگو، شایعه و بگومگو به عنوان فعالیتی رایج در هند که ذیل مقوله «مراقبت فردی و خودتأمینی» طرح شده نام می‌برد. مردان بیش از زنان در هند (با میزان متوسط هفت ساعت در هفته) به این فعالیت فراغتی می‌پردازند (UNDP, 2000). در راستای ایجاد پیوستگی در مطالعات تطبیقی کشوری گفت‌وگو، شایعه و بگومگو در گزارش «جامعه در یک نگاه» ذیل مقوله اجتماعی‌سازی و تحت فراغت طبقه‌بندی شده است.

به لحاظ ساعت کار، مردان همواره بیشتر از زنان به کار دستمزدی می‌پردازند. این فاصله جنسیتی بنا به گزارش کشورهای آسیایی عضو در پاکستان، به نسبت بسیار زیاد و در مغولستان حداقل است. به طور کلی زنان بیش از مردان کار غیر دستمزدی انجام می‌دهند. این در حالی است که داده‌های مبتنی بر زمان از مشارکت زنان در ایجاد ثروت با انجام کار خانگی و فعالیت‌های مراقبتی غفلت می‌کنند. بازهم در پاکستان فاصله جنسیتی انجام کار دستمزدی به سمت زنان بیشتری و در نیوزلند کمترین میزان است. این فاصله در کشورهای عضو و کشورهای در حال توسعه عضو نیز دیده می‌شود. تنها در کشورهای صنعتی است که رواج لوازم خانگی مانند ماشین ظرفشویی و دسترسی مطلوب به خدمات ابتدایی مانند برق و آب از این زمان خواهد کاست. در حالی که در کشورهای در حال توسعه از جمله پاکستان و کامبوج، زنان وقت زیادی را صرف آب آوردن و جمع‌آوری چوب می‌کنند (Ilahi, 2000)، در مجموع اما تفاوت بین دو گروه کشورها آنقدرها هم چشمگیر نیست.

۱. این سازمان (OECD) متشکل از ۳۴ عضو و اعضای آن متعهد به اصول اقتصاد آزاد و دموکراتیک هستند. سازمان در سال ۱۹۴۸ با عنوان سازمان همیاری اقتصادی اروپا به منظور اجرای طرح بازسازی کشورهای اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم و با برنامه‌ریزی آمریکا (تحت برنامه مارشال) تأسیس شد. این سازمان به عنوان یکی از تأثیرگذارترین نهادهای اقتصادی جهانی، مجمعی برای کشورهای همفکر به منظور بحث و بررسی، ایجاد و پالایش سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی آنها فراهم آورده است.

متوسط زمانی که زنان صرف کار غیردستمزدی می‌کنند در کشورهای آسیایی عضو ۲۶۸ دقیقه در روز (۴/۵ ساعت) در مقایسه با کشورهای عضو ۲۲۰ دقیقه (۳/۵ ساعت) در روز است. در کشورهای آسیایی عضو مردان با متوسط ۳۹ دقیقه در روز اوقات فراغت بیشتری دارند.

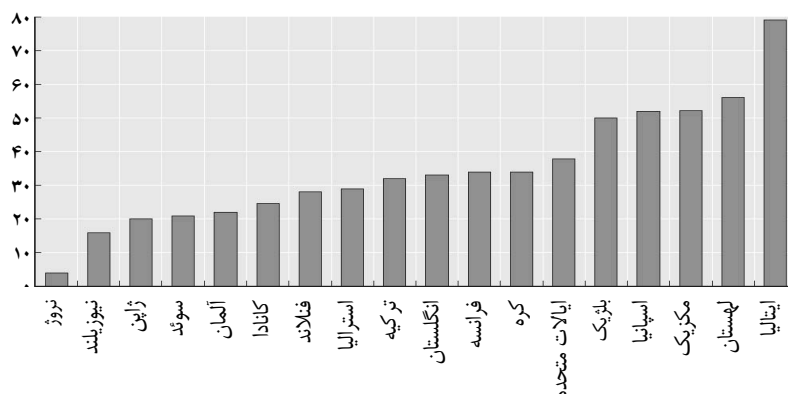


نمودار ۱. فاصله جنسیتی در اوقات فراغت در کشورهای مختلف

فاصله جنسیتی در اوقات فراغت در ارمنستان با تفاوت بیش از یک ساعت بیشترین و در نیوزیلند با تفاوت ۱۶ دقیقه کمترین اختلاف را نشان می‌دهد. در فصل دوم گزارش در سال ۲۰۰۹، پژوهشگران به‌طور کلی خبر از افزایش سال‌های اشتغال زنان در کشورهای عضو می‌دهند. از سوی دیگر به‌دلیل کاهش سن بازنشستگی می‌توان دید که زنان در سنین پایین‌تری بازنشسته شده و سال‌های بازنشستگی بیشتری را نسبت به مردان سپری می‌کنند. در خصوص کشورهای پیشرفته عضو، بحث فراغت با آنچه درباره فاصله جنسیتی در کشورهای آسیایی عضو گفته شد، متفاوت است. بوردا و دیگران (۲۰۰۷) از داده‌های استفاده از زمان در بلژیک، دانمارک، فرانسه، فنلاند، ایتالیا، هلند، نروژ، سوئد، انگلستان و آمریکا استفاده می‌کنند، تا نتیجه بگیرند «در اکثر کشورهای دارای اقتصاد شکوفا تفاوت در میزان فراغت اندک است» (Burda et al., 2007:23). با آنکه این مطالعه از نظر محققان کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه جای بحث دارد، گزارش فاصله جنسیتی بر مبنای دقیقه در یک روز معمول می‌تواند مبنایی برای محاسبه یک سال

تأملی بر یافته‌های پژوهشی فراغت زنان از منظر جامعه‌شناسی ۲۸۳

باشد. در نتیجه درحالی که تفاوت جنسیتی فراغت در یک روز اندک به نظر می‌رسد، محاسبه آن برای یک سال گویای وضعیت متفاوتی است. نمودار زیر امکان مقایسه مقدار تفاوت جنسیتی فراغت را در میان ۱۸ کشور عضو در سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد.



نمودار ۲. تفاوت جنسیتی فراغت را در میان ۱۸ کشور عضو در سال ۲۰۰۶

در نروژ به عنوان کشوری که فاصله جنسیتی در آن به نفع زنان است، زنان تنها به طور متوسط ۱۶ دقیقه بیش از مردان در روز فراغت دارند. از لحاظ مقایسه جنسیتی نوع فعالیت گذران اوقات فراغت می‌توان گفت: زنان بیشتر از مردان به خرید می‌روند. به طور مثال زمان خرید در آمریکا مردان ۴۳ دقیقه و زنان ۵۹ دقیقه در روز است. در آلمان ۴۹ دقیقه برای مردان و ۶۶ دقیقه برای زنان، در ایتالیا ۳۳ دقیقه برای مردان و ۵۳ دقیقه برای زنان و در هلند ۳۶ دقیقه برای مردان و ۵۳ دقیقه برای زنان است (Ibid). می‌توان گفت بخشی از این زمان خرید، فراغت است.

زنان در مجموع از لحاظ فعالیت‌های اقتصادی در شرایط پایین تری نسبت به مردان قرار دارند. در تمام کشورهای عضو، زنان وقت بیشتری را در مقایسه با مردان صرف کارهای مراقبتی (از کودکان یا بالغان) به عنوان فعالیت نخست خود می‌کنند. وجود کودکان عمیقاً بر میزان این زمان تأثیر می‌گذارد. میزان زمان مصرفی برای مراقبت، از کل وقت زنان دارای دو کودک حداقل از ۹ درصد در کانادا تا حداکثر ۱۳ درصد در مکزیک متغیر است. در تمام کشورهای عضو زنان حداقل دو برابر مردان زمان صرف مراقبت می‌کنند. بیشترین تمایزها در ژاپن و ترکیه گزارش شده که زنان به طور متوسط ۴ و ۶ برابر زمان بیشتر از مردان صرف مراقبت می‌کنند.

۲-۳. وضعیت فراغت زنان در آمریکا

اداره آمار کار در وزارت کار آمریکا در گزارش سال ۲۰۱۰ خود داده‌های آماری قابل تأملی را منتشر کرد که ذکر بخش‌های مختلف آن در اینجا سودمند خواهد بود.

جدول ۱. میزان متوسط زمان مصرفی روزانه بر حسب جنسیت

فعالیت	زنان	مردان	کل
فراغت و ورزش	۵/۰۵	۵/۷۹	۵/۴۱
اجتماعی‌سازی و برقراری ارتباط	۱/۸۵	۱/۹۷	۱/۹۰
تماشای تلویزیون	۳/۲۲	۳/۶۶	۳/۴۴
مشارکت در ورزش و فعالیت‌های تفریحی	۱/۳۰	۱/۹۳	۱/۶۶
گفت‌وگوی تلفنی، مکاتبه اینترنتی و پستی	۰/۷۷	۰/۷۵	۰/۷۶

در مجموع در همه فعالیت‌های فراغتی مذکور مردان وقت بیشتری را صرف می‌کنند. با این حال به نظر می‌رسد حداقل شکاف جنسیتی در مقوله برقراری روابط اجتماعی و گفت‌وگوهای تلفنی و مکاتبات شخصی است. جدول زیر میزان متوسط زمان مصرفی روزانه بر حسب گروه سنی و نیز وضعیت تأهل زنان را نشان می‌دهد:

جدول ۲. متوسط زمان مصرفی گروه‌های سنی

گروه‌های سنی	فعالیت‌های سازمانی و مدنی	فراغت و ورزش	گفت‌وگوی تلفنی، مکاتبه اینترنتی و پستی
زنان ۱۵ ساله و بیشتر	۰/۴۰	۴/۸۲	۰/۲۱
۱۵-۱۹ ساله	۰/۲۶	۵/۰۸	۰/۲۷
۲۰-۲۴ ساله	۰/۲۷	۴/۶۹	۰/۱۵
۲۵-۳۴ ساله	۰/۲۹	۳/۹۹	۰/۱۴
۳۵-۴۴ ساله	۰/۳۴	۳/۸۵	۰/۱۵
۴۵-۵۴ ساله	۰/۳۸	۴/۳۵	۰/۲۲
۵۵-۶۴ ساله	۰/۴۶	۴/۹۳	۰/۲۵
۶۵-۷۴ ساله	۰/۶۰	۶/۴۱	۰/۳۳
۷۵ ساله و بیشتر	۰/۶۸	۷/۲۰	۰/۲۸
وضعیت تأهل			
مجرد	۰/۳۴	۵/۲۸	۰/۲۴
متاهل	۰/۴۵	۴/۳۶	۰/۱۹

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، با افزایش سن، حضور زنان در سازمان‌های مدنی و مذهبی به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های فرهنگی در گذران اوقات فراغت، افزایش می‌یابد.

به‌ویژه شاهد افزایش قابل توجه متوسط زمان مصرفی زنان ۶۵ ساله به بالا در این نهادها هستیم. اختصاص فراغت به برنامه‌های تفریحی ورزشی میان نوجوانان و جوانان زیاد و در میان سایر زنان (۲۵ ساله به بالا) با آهنگی یکنواخت روبه رشد بوده است. به‌طوری که زنان ۷۵ ساله و بیشتر تقریباً نزدیک به دو برابر ۳۴-۲۵ ساله وقت خود را صرف این فعالیت کرده‌اند. گفت‌وگوی تلفنی و مکاتبه در میان دختران نوجوان رواج زیاد، اما در میان جوانان و میانسالان رونق کمتری دارد. این امر احتمالاً تا اندازه‌ای با تحصیل در دانشگاه و اشتغال و کمبود زمان ارتباط دارد. در گروه سنی ۴۵ ساله به بالا شاهد افزایش قابل ملاحظه زمان این فعالیت هستیم. فعالیت در سازمان‌های مدنی و مذهبی همچنان در میان زنان متأهل رونق دارد و تأهل باعث کناره‌گیری آنان از حضور در این عرصه نشده است. حتی آنان ساعات بیشتری را نسبت به زنان مجرد گزارش داده‌اند. در دو حوزه فراغتی دیگر زنان متأهل احتمالاً به دلیل اشتغالات خانوادگی و کار دستمزدی زمان کمتری را نسبت به زنان مجرد صرف کرده‌اند. در جدول زیر کلیه فعالیت‌های فراغتی هر دو جنس در طول هفته و ایام تعطیلات و به تفکیک وضعیت تأهل زنان در آمریکا آمده است:

جدول ۳. فعالیت‌های فراغتی زنان و مردان در طول هفته و تعطیلات در ایالات متحده

کلیه فعالیت‌های فراغتی	مشارکت در ورزش و تفریح		اجتماعی‌سازی و برقراری ارتباط		تماشای تلویزیون		مطالعه		آرامیدن و فکر کردن		بازی و کاربردی تفریحی رایانه		سایر شامل سفر			
	ایام هفته و تعطیلات	آخر هفته و تعطیلات	ایام هفته و تعطیلات	آخر هفته و تعطیلات	ایام هفته و تعطیلات	آخر هفته و تعطیلات	ایام هفته و تعطیلات	آخر هفته و تعطیلات	ایام هفته و تعطیلات	آخر هفته و تعطیلات	ایام هفته و تعطیلات	آخر هفته و تعطیلات				
مرد	۴/۹۹	۶/۹۶	۰/۳۹	۰/۴۹	۰/۵۴	۱/۰۲	۲/۶۸	۳/۵۶	۰/۲۴	۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۳۳	۰/۴۵	۰/۵۴	۰/۴۳	۰/۷۴
زن	۴/۳۷	۵/۸۸	۰/۱۹	۰/۲۲	۰/۵۶	۱/۱۲	۲/۳۶	۲/۹۱	۰/۳۳	۰/۳۸	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۳۳	۰/۳۸	۰/۲۹	۰/۵۷
زنان متأهل	۳/۸۵	۵/۵۲	۰/۱۸	۰/۲۳	۰/۵۳	۱/۱۴	۲/۰۱	۲/۶۹	۰/۳۳	۰/۳۸	۰/۲۸	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۳۱	۰/۲۴	۰/۵۳
زنان مجرد	۴/۸۸	۶/۲۶	۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۶	۱/۱	۲/۷۱	۳/۱۵	۰/۳۴	۰/۳۹	۰/۳۱	۰/۳۳	۰/۳۸	۰/۴۶	۰/۳۴	۰/۶۲

زنان در مجموع در ایام هفته و تعطیلات آن نسبت به مردان و زنان متأهل نسبت به زنان مجرد فراغت کمتری دارند. چنین وضعیتی در پرداختن به ورزش و تفریح نیز دیده می‌شود. در برقراری ارتباط و فرایند اجتماعی شدن، زنان متأهل پیش‌تازند و هم نسبت به زنان مجرد و هم مردان نسبت به مردان چه در ایام هفته و چه در تعطیلات آن وقت بیشتری را صرف می‌کنند. زنان مجرد و مردان تقریباً با فاصله اندک در طول هفته زمان بیشتری را

نسبت به زنان متأهل صرف تماشای تلویزیون می‌کنند. هر چند به‌طور کلی آخر هفته زمان بیشتری صرف تماشای تماشای تلویزیون می‌شود، اما مردان زمان بیشتری به این فعالیت اختصاص می‌دهند. مطالعه‌ی فعالیتی فرهنگی است که به‌طور قطع زنان زمان به نسبت بیشتری را در هفته‌ی بدن پرداخته‌اند. جالب آنکه تأهل موجب کاهش این فعالیت نشده و زنان متأهل تقریباً همپای مجردها به این امر می‌پردازند. آرامیدن و فکر کردن در زنان مجرد بیش از زنان متأهل و بیش از مردان گزارش شده است. البته زنان متأهل در آخر هفته و تعطیلات زمان به مراتب کمتری را به این امر اختصاص داده‌اند. بازی و کاربرد تفریحی رایانه مردان و زنان مجرد را به خود مشغول کرده و زنان متأهل زمان کمتری را صرف این فعالیت کرده‌اند. در مورد سایر فعالیت‌ها از جمله سفر نیز وضعیت مشابه است و زنان متأهل، به‌ویژه در ایام هفته کمتر از زنان مجرد و کمتر از مردان به این مقوله می‌پردازند.

۳-۳. وضعیت فراغت زنان در اروپا

گزارش اجتماعی اروپا با عنوان تارکی^۱ در سال ۲۰۰۹ به کمک داده‌های حاصل از پیمایش در میان ۱۵ کشور اروپایی در فصل پنجم خود اوقات فراغت زنان را کمتر از مردان گزارش می‌دهد. در حالی که مردان بین ۴ ساعت و ۴۴ دقیقه تا ۵ ساعت و ۵۸ دقیقه در روز وقت فراغت دارند، این زمان برای زنان اروپایی بین ۳ ساعت و ۴۵ دقیقه تا ۵ ساعت و ۴۰ دقیقه در نوسان است. بیشترین تفاوت بین مردان و زنان در کشورهای اروپای شرقی (لیتوانی، بلغارستان، لهستان و استونی) و اروپای جنوبی (ایتالیا و اسپانیا) دیده می‌شود. زنان در این کشورها یک ساعت کمتر از مردان فراغت دارند. حداقل تمایز جنسیتی در نروژ و آلمان دیده می‌شود. نکته قابل توجه کار خانگی است. در حالی که در کشورهای اروپای جنوبی کار خانگی، به‌طور سنتی مسئولیت زنان دانسته می‌شود و مردان کمتر بدان می‌پردازند، در مقابل در اروپای شمالی، کار خانگی با برابری بیشتری میان دو جنس تقسیم می‌شود. با آنکه نرخ اشتغال زنان ایتالیایی، بلغاری و فرانسوی پایین است، اما به‌دلیل عهده‌داری کار خانگی، وقت چندانی هم برای فراغت ندارند. در نقطه مقابل، زنان مقیم کشورهای اسکاندیناوی اوقات فراغت بیشتری دارند، حال آنکه نرخ اشتغال آنان در اروپا در بالاترین سطح است. چنین تناقضی را می‌توان این‌گونه توضیح داد: نخست نسبت

1. TÁRKI European Social Report

کثیری از زنان اسکاندیناوی به کار پاره وقت اشتغال دارند (برای مثال ۴۴ درصد زنان شاغل در نروژ و ۴۱ درصد زنان شاغل در سوئد شاغلان پاره وقت هستند)، دوم آنها زمان کمی را به کار خانگی اختصاص می‌دهند و سوم اینکه اروپای شمالی از سطح بالایی از امید به زندگی برخوردار است (TÁRKI European Social Report, 2009: 85-87).

۱-۳-۳. انگلستان

در انگلستان^۲ آمارها نشان می‌دهد: مردان بیش از زنان تلویزیون تماشا می‌کنند، رادیو گوش می‌دهند و به سایر فعالیت‌ها از جمله ورزش، سرگرمی و کاربرد تفریحی رایانه می‌پردازند (۲۲۴ دقیقه در روز در مقایسه با ۱۸۰ دقیقه در روز از سوی زنان در سال ۲۰۰۵). این در حالی است که زنان بیش از مردان وقت خود را صرف مطالعه و برقراری روابط اجتماعی با دیگران می‌کنند (۱۱۳ دقیقه در روز در مقایسه با ۱۰۰ دقیقه در روز از سوی مردان). رایانه امروزه بیش از پیش جهت طیف متنوعی از فعالیت‌ها از جمله برقراری ارتباط با دوستان، کمک به بچه‌ها برای انجام تکالیف مدرسه و گوش دادن به موسیقی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طور متوسط مردان ۲۸ دقیقه در روز و زنان ۱۳ دقیقه صرف کاربرد تفریحی رایانه می‌کنند.

بر اساس آمارهای سال ۲۰۰۶: ۶۵ درصد مردان و ۵۵ درصد زنان در خانه یا جای دیگر به اینترنت دسترسی داشته‌اند. البته مردان معمولاً بیشتر از اینترنت استفاده می‌کنند. نزدیک به دو سوم آنها (۶۴ درصد) هر روز یا تقریباً هر روز و ۵۴ درصد زنان کاربرد مشابهی را گزارش داده‌اند. این در حالی است که نسبت بیشتری از مردان از اینترنت برای خرید کالا و خدمات استفاده می‌کنند (۵۳ درصد در برابر ۴۸ درصد زنان) در زمینه خرید اینترنتی سایر اقلام زنان پیشتازند: از جمله خرید لباس و کالاهای ورزشی (۴۲ درصد زنان در برابر ۳۴ درصد مردان) غذا و سبزیجات و صیفی‌جات (۲۵ درصد زنان در برابر ۱۶ درصد مردان). اداره آمار ملی بریتانیا جدول زیر را جهت مقایسه جنسیتی فعالیت روزانه ارائه داده است:

1. http://www.tarki.hu/en/research/european_social_report/european_social_report_2009_full.pdf
2. <http://www.ecclesbourne.derbyshire.sch.uk/ecclesbourne/content/subsites/sociology/files/AS%20Family%20Factsheets/Leisure%20Patterns.pdf> .

جدول ۴. فعالیت‌های روزانه زنان و مردان

مطالعه	ورزش	بازی و سرگرمی	زندگی اجتماعی و تفریح	تماشای تلویزیون، فیلم و گوش دادن به موسیقی	
۰/۲۳	۰/۱۳	۰/۳۷	۱/۲۲	۲/۵	مرد
۰/۲۸	۰/۰۷	۰/۲۳	۱/۳۲	۲/۲۵	زن

زنان در همه مقولات فراغتی بالا نسبت به مردان وقت کمتری می‌گذرانند. تنها در مقوله مطالعه است که زنان زمان بیشتری را نسبت به مردان به این امر اختصاص می‌دهند. این گزارش خاطر نشان می‌سازد: زنان وقت بیشتری را صرف مطالعه و برقراری ارتباط با دیگران می‌کنند. همچنین از لحاظ پایگاه اجتماعی اقتصادی آمارها نشان می‌دهد: زنان از طبقات بالا و دارای درآمد بالا از فرصت بیشتری برای فراغت متجملاً بهره‌مندند. آنها بیشتر به ورزش، یوگا و بدن‌سازی می‌پردازند. به علاوه با کهنولت سن و ورود به دوره پیری وقت فراغت بیشتر می‌شود. اما موانعی نیز بر سر راه دسترسی به فراغت وجود دارد. از جمله سلامت، مشکلات حرکتی، عدم دسترسی به حمل‌ونقل و مضیقه مالی. به‌طور مثال زنان مسن کمتری در مقایسه با هم‌تایان مرد خود به ماشین دسترسی دارند (به‌طور مثال ۷۷ درصد از مردان و ۶۴ درصد از زنان ۶۵-۷۴ ساله در سال ۲۰۰۱). به علاوه زنان ۶۰ ساله و بالاتر بیش از هم‌تایان مرد خود احساس عدم امنیت می‌کنند (از جمله، از هر سه زن یکی و از هر ده مرد، یکی در انگلستان و ولز).

۳-۴. گذران فراغت زنان در ایران

چنانکه پیش‌تر توضیح داده شد نتایج پژوهش‌های میدانی در خصوص فراغت زنان بر حسب متغیر دوره زندگی آنان مورد تحلیل قرار گرفته و ارائه خواهد شد. در عین حال ارائه داده‌ها در هر مقوله بر اساس زمان انجام پژوهش و از گذشته به حال است.

۳-۴-۱. گذران فراغت زنان سالمند

پژوهشگران در مقاله «بهره‌مندی بازنشستگان شهر تهران از خدمات ویژه اوقات فراغت» کوشیده‌اند از طریق پیمایش در میان ۳۸۴ نفر از بازنشستگان کشوری در این شهر نمایی کلی از برنامه‌های گذران اوقات فراغت آنان ارائه دهند. بر این اساس از میان فعالیت‌های فراغتی که مورد توجه بازنشستگان ۶۰ ساله و بیشتر قرار گرفته، تنها به مواردی اشاره

می‌شود که زنان در آن حضور پررنگ‌تری را ابراز کرده‌اند. از جمله محققان گزارش داده‌اند: سینما رفتن با جنسیت بازنشستگان رابطه معناداری داشته و بازنشستگان زن بیشتر از سینما بهره‌مند شده‌اند. دیدار دوستان نیز در میان بازنشستگان مؤنث رواج بیشتری دارد. از جمله رسمی میان آنان وجود داشته که به صورت دوره‌ای ماهیانه، از دیدار یکدیگر بهره‌مند شوند. تماشای تلویزیون نیز از ارتباط معناداری با جنسیت برخوردار بوده و زنان بازنشسته بیش از هم‌تایان مرد خود به تماشای تلویزیون می‌پرداختند (دواتی و دیگران، ۱۳۸۳).

مطالعه تطبیقی «وضعیت فعالیت‌های اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت در سالمندان ایران و سوئد» که سه گروه از سالمندان (۸۲۵ نفر از سالمندان مقیم تهران، ۳۰۵ نفر از سالمندان سوئدی و ۱۰۱ نفر از سالمندان ایرانی مقیم سوئد) را در دامنه سنی ۶۰-۷۷ سال مورد بررسی قرار داده، فعالیت گروهی بالاتری را میان زنان سالمند سوئدی و مقیم ایران نسبت به هم‌تایان ایرانی مقیم سوئد گزارش می‌دهد. توزیع سالمندان مقیم ایران بر حسب نوع فعالیت نشان می‌دهد: شرکت در جلسات مذهبی، تماشای تلویزیون و دیدن بازدید (و با فاصله‌ای قابل توجه رفتن به مسافرت) از جمله فعالیت‌های اصلی گذران اوقات فراغت زنان سالمند تهرانی است. کتاب خواندن، روزنامه خواندن و گوش دادن به موسیقی به ترتیب کمتر مورد اقبال آنان قرار گرفته‌است (مداح، ۱۳۸۸).

مطالعه اخیری که با روش کیفی «تجارب سالمندان تهرانی در زمینه اوقات فراغت و تفریحات» را دستمایه پژوهش قرار داده، چندان به جنس و سایر مؤلفه‌های ساختاری توجهی نداشته‌است. بنابراین بر اساس تحلیل اسناد منتشره مصاحبه‌های کیفی در این مقاله می‌توان فعالیت‌های رایج فراغتی زنان ۶۵-۸۶ ساله شهر تهران را به‌طور خاص چنین گزارش داد: تماشای تلویزیون (به شکل محدود و مقطعی)، حل جدول، دیدن و بازدید، مسافرت و رفتن به فرهنگسرا (رحیمی و همکاران، ۱۳۸۹).

تحقیق «بررسی انتخاب مکان گذران اوقات فراغت سالمندان با تأکید بر عوامل فردی» به بررسی گذران فراغت در میان ۳۷۷ نفر از سالمندان منطقه ۳ و ۵ اصفهان پرداخته‌است. در بررسی رابطه میان انتخاب مکان‌های فراغتی و جنسیت سالمندان مشخص شد: رابطه معناداری میان جنسیت و استفاده از مکان‌های ورزشی، رفتن به مکان‌های مذهبی و استفاده از پارک وجود دارد، اما جنس و استفاده از مکان‌های فرهنگی فاقد رابطه معنادار است (قنبریان و دیگران، ۱۳۹۰).

۲-۴-۳. گذران فراغت زنان میانسال

هرچند پژوهش «جایگاه ورزش در اوقات فراغت زنان ایرانی» به طور خاص به فعالیت‌های ورزشی پرداخته، اما ذکر برخی از یافته‌های آن در اینجا سودمند است. این تحقیق در سال ۱۳۸۱ وضعیت بیش از ۶ هزار نفر از زنان ۶۵-۲۰ ساله شهری ایران مستقر در ۱۷۶ شهر از ۲۷ استان کشور را مورد پژوهش قرار داده و در نهایت میزان متوسط فراغت زنان را روزانه ۳/۸ ساعت (عصرها) گزارش داده است. در میان فعالیت‌های فراغتی روزانه بر حسب دقیقه استراحت، هم‌صحبتی، تماشای تلویزیون در صدر فعالیت‌ها، انجام مستحبات مذهبی در رتبه بعد و گوش دادن به رادیو و شنیدن نوار مذهبی از فعالیت‌های فراغتی است که کمترین مخاطب را داشته است (تندنویس، ۱۳۸۱).

پژوهش‌های اندکی به تفکیک گروه زنان میانسالان انجام شده است. بر این اساس استفاده از کلیه منابع مرتبط موجود لازم به نظر می‌رسد. تحقیقی کیفی با ۵۰ تن از زنان شهر اراک نشان داد: زنان بین ۸-۳ ساعت در شبانه روز وقت فراغت دارند. عمده فعالیت‌های فراغتی آنان صحبت کردن با دیگر زنان در کوچه و خیابان، تماشای تلویزیون و گپ‌وگفت تلفنی (به میزان کمتر به خاطر هزینه آن) است. در عین حال آنان از گذران این گونه فراغت رضایت دارند و اکثر آنان از سپری کردن وقت بی‌حاصل در کوچه و خیابان عمیقاً ابراز ناراحتی می‌کردند. مطالعه و ورزش کمترین اقبال را در میان آنان داشت (حسینی و دیگران: ۱۳۸۵). «مدت و نحوه گذران اوقات فراغت کارکنان اداری دانشگاه آزاد اسلامی» محور تحقیق دیگری است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد: در میان ۳۴۰ نفر از کارکنان منطقه ۸ (متشکل از ۲۰ واحد دانشگاهی در استان‌های تهران، قم و قزوین) زنان پاسخگو در مقایسه با مردان، بودن در کنار خانواده را به‌عنوان فعالیتی فراغتی ترجیح می‌دهند. این نسبت در مقوله معاشرت با دوستان و ورزش معکوس است (میرهاشمی و دیگران، ۱۳۸۶). پژوهش «واکاوی ویژگی‌ها و الگوهای فراغتی در گردشگری شهری» نیز در حیطه علوم محیطی به طرح مسئله پرداخته است. برخی یافته‌های آن نشان می‌دهد که زنان تا چه حد به مناطق گردشگری شهری اقبال نشان داده‌اند. درحالی‌که از مجموع ۳۰۰۰ پاسخگو، پاسخگویان زن در گروه سنی جوان ۴۲/۷ درصد، در گروه میانسال ۳۹/۶ درصد و مسن ۳۲/۱ درصد را تشکیل می‌دادند، زنان با گزارش کاربری کمتر نسبت به مردان، بیشتر به پارک‌های جنگلی رفته‌اند.

جدول ۵. درصد اقبال زنان و مردان از گردشگاه‌ها

گردشگاه‌ها	پارک‌های شهری (تعداد: ۷۷۷)	پارک‌های جنگلی (تعداد: ۸۹۴)	روددره‌ها (تعداد: ۱۰۰۸)
	درصد	درصد	درصد
زن	۳۸/۱	۴۲/۱	۴۱/۲
مرد	۶۸/۶	۵۷/۸	۵۸/۵

توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت همراهان به تفکیک جنسیت در جدول زیر آمده است:

جدول ۶. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت همراهان

وضعیت همراهان	زنان (درصد)	مردان (درصد)
خانوادگی	۷۲/۵	۶۲/۹
با دوستان به صورت مجردی	۲۵/۷	۳۱/۸
به تنهایی	۱/۸	۵/۳

بنابراین درحالی که الگوی جمعی استفاده از گردشگاه‌های شهری غالب است، اما مردان بیشتر به تفریح مجردی و یا در کنار دوستان می‌پردازند. قابل توجه آنکه محققان فارغ از مجموعه عوامل ساختاری، چون دسترسی به درآمد و امکانات رفاهی حمل و نقل، وجود امنیت و وجود یا عدم وجود همراهی خانواده نتیجه می‌گیرند: «درصد گردشگران مرد در هر سه منطقه گردشگری مورد بررسی بیشتر از زنان است و این مطلب نشانه‌ای از انگیزه و علاقه بیشتر مردان نسبت به زنان در استفاده از فضاهای گردشگری است» (لیاقتی و دیگران، ۱۳۸۹).

پژوهشی در زمینه عوامل مرتبط با رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت در میان ۱۱۷ نفر از زنان شاغل (تمام شماری کارکنان و اساتید با متوسط ۳۷ سال) دانشگاه علامه طباطبایی انجام شد. بررسی میزان اوقات فراغت زنان در یک هفته نشان داد: بیشتر این زنان (۲۷/۳ درصد) بین ۱۰ تا ۱۹ ساعت در هفته اوقات فراغت دارند که این میزان با احتساب روزهای تعطیل آخر هفته، نشانگر اوقات فراغت اندک برای زنان در روزهای عادی است. تنها ۸/۱ درصد از زنان بیش از ۴۹ ساعت در هفته (میزان بالا) اوقات فراغت دارند. ۲۰/۹ درصد از زنان نیز با هفته‌ای ۰ تا ۹ ساعت در وضعیت فقر اوقات فراغت قرار دارند. از لحاظ میزان گذران اوقات فراغت در درون یا بیرون از خانه، مطالعات نشان داد:

بیشتر زنان (۵۳/۱ درصد) به میزان متوسطی اوقات فراغت خود را در داخل خانه سپری می‌کنند. تعداد افرادی که اوقات فراغت خود را تا حدی در خارج از خانه سپری می‌کنند، بیش از سایر افراد است (۷۰/۱ درصد). تنها ۵/۴۶ درصد از افراد اوقات فراغت خود را زیاد در خارج از خانه می‌گذرانند. مقایسه میانگین کسانی که اوقات فراغت خود را در درون خانه و خارج از خانه می‌گذرانند نشان می‌دهد: میانگین گروه اول کمتر از میانگین گروه دوم است (۳۴/۸۶ در برابر ۴۳/۷۷). به عبارت دیگر تفریحات بیرون از خانه با استقبال بیشتری از سوی زنان متأهل شاغل روبه‌رو است. در رابطه با میزان پرداختن به فعالیت‌های گذران اوقات فراغت باید گفت: رفتن به پارک، میهمانی، گردش و تفریح با خانواده، قدم زدن در بازارها و فروشگاه‌ها، مسافرت با خانواده، تماشای تلویزیون، گفت‌وگوی تلفنی، مطالعه تفریحی جراید و نشریات، گوش دادن به موسیقی از جمله مواردی است که بیش از یک سوم زنان غالباً برای گذران اوقات فراغت خود بدان می‌پردازند. در این میان گوش دادن به موسیقی طرفدار بیشتری داشته، به طوری که بیش از نیمی از جمعیت آماری غالباً برای گذران اوقات فراغت خود به موسیقی گوش می‌دادند. آرایش کردن، گوش دادن به رادیو، پرورش گل و گیاه، رقص، آرمیدن و فکر کردن، گفت‌وگوی تلفنی، رفتن به مسجد، زیارت اماکن مقدس، شرکت در جلسات قرآن و روضه، شرکت در برنامه‌های نذری، از مواردی است که نزدیک به نیمی از زنان ابراز داشته‌اند برای گذران اوقات فراغت خود گاهی به این امور می‌پردازند (شفیعی و قادری، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۳۵).

۳-۴-۳. گذران فراغت زنان جوان

پژوهش نابرابری اجتماعی در حوزه فراغت به تحلیل ثانویه داده‌های طرح ملی ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی خانواده (۱۳۸۰) مرکز آمار ایران مربوط به ۹۴۹۰ نفر از جوانان ۱۵-۲۹ ساله پرداخته است. محققان ضمن تأکید بر نابرابری جنسیتی در الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان در ایران، گزارش می‌دهند: در حوزه‌های فراغتی محدود به فضای درون خانه نظیر فعالیت‌های هنری، تماشای تلویزیون و مطالعه آزاد کتاب، حضور و مشارکت زنان عمدتاً بیش از مردان بوده است. محسوس‌ترین تفاوت و نابرابری جنسیتی رفتار فراغتی مردان و زنان جوان در فعالیت‌های هنری ورزشی دیده می‌شود. به طوری که زنان ۴/۵ برابر بیشتر از مردان به فعالیت‌های ورزشی می‌پردازند. محدودیت زنان در جامعه برای حضور در

تأملی بر یافته‌های پژوهشی فراغت زنان از منظر جامعه‌شناسی ۲۹۳

فضاهای باز ورزشی، کمبود امکانات ورزشی برای بانوان و جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی مرتبط با ورزش از دلایل حضور کم‌رنگ زنان در عرصه‌های ورزشی است (صادقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۷۹).

جدول ۷. فعالیت‌های فراغتی زنان و مردان

مساافت و... بازدید از موزه و نمایشگاه	شرکت در کنسرت موسیقی	تماشای تئاتر و نمایش (%)	شرکت در فعالیت‌های هنری	فعالیت‌های ورزشی							غضوبیت و فعالیت ورزشی (%)	نابرابری اجتماعی			
				تماشای مسابقات	نوع فعالیت ورزشی (%)								شرکت در فعالیت‌های ورزشی (%)		
					سایر ورزش‌ها	شنا	ورزش‌های والیبالی	پرورش اندام و بدنسازی	ورزش‌های همگانی	فوتبال					
۴۶/۶	۱۷/۶	۶/۴	۹/۰	۷/۰	۲۴/۸	۱۲/۳	۱/۵	۷/۳	۲/۸	۱۳/۲	۷/۴	۵۵/۸	۴۵/۹	۱۸/۴	مرد
۴۷/۹	۱۶/۲	۵/۲	۳/۵	۳/۹	۳/۸	۱۸/۵	۷/۶	۴/۰	۲۲/۲	۱۳/۰	۳۳/۲	۱/۳	۱۶/۱	۱۲/۱	زن
ns	ns	*	ns	**	**			**				**	**	**	

ns : غیرمعنادار، ** : تفاوت معنادار در سطح ۹۹ درصد اطمینان، * : تفاوت معنادار در سطح ۹۵ درصد اطمینان

نویسندگان در ادامه ضمن ارائه یافته در جدول بالا می‌آورند: «جنسیتی شدن فراغت، انعکاس از تقسیم کار و نقش‌های جنسیتی در دو عرصه عمومی (دنیای مردانه) و خصوصی (دنیای زنانه) زندگی اجتماعی است. بدین ترتیب جنسیت یکی از اشکال بارز تمایزات اجتماعی است که به ناهمگونی و نابرابری در فراغت منتهی می‌شود» (همان: ۳۸۱).

در پژوهشی دیگر «چگونگی گذران اوقات فراغت و همبسته‌های آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز» دختران با اوقات فراغت کمتر، بیش از پسران به تماشای تلویزیون و گذران اوقات فراغت در خوابگاه می‌پردازند (قائم و دیگران، ۱۳۸۷).

مقاله «نابرابری اجتماعی در حوزه فراغت» که مطالعه و تحلیل ثانویه داده‌های طرح ملی ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی خانوار در سال ۱۳۸۰ را در دستور کار خود قرار داده، گزارش می‌دهد: در فعالیت‌های هنری، تماشای تلویزیون و مطالعه آزاد کتاب حضور زنان بیش از مردان بوده است (صادقی و دیگران: ۱۳۸۹).

پژوهش «اوقات فراغت و هویت اجتماعی» با مطالعه الگوهای فراغتی دختران و پسران ۳۰-۱۸ ساله شهر تهران به کمک نمونه‌ای ۳۸۳ نفری در کنار مصاحبه کیفی با ۲۵ نفر دو

مقوله فراغت فعال (ورزش، سینما و تئاتر رفتن، گردش در شهر، مسافرت برون شهری، شرکت در مراسم و میهمانی‌ها، انجام فعالیت هنری) و فراغت منفعل (درخانه ماندن، خوابیدن، تماشای تلویزیون، قدم زدن و گفت‌وگو با اعضای خانواده) را در نظر گرفته است. به علاوه به پایگاه اجتماعی اقتصادی نیز نظر داشته و در مجموع یافته‌های قابل توجهی ارائه داده است: تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که میان گروه‌های طبقاتی از نظر گذران فعال/منفعل فراغت تفاوتی وجود ندارد، بلکه دختران بیشتر وقت خود را در خانه سپری می‌کنند. «از لحاظ نوع فعالیت‌های درون خانه، دختران طبقات بالا کاملاً از دختران طبقات پایین متمایزند: دختران طبقه بالا به انجام فعالیت‌های هنری مثل تمرین نوازندگی، گوش دادن به موسیقی غربی و ایرانی و برنامه‌های ماهواره‌ای نمایش فارسی و غیرفارسی زبان، تمرین رقص و مطالعه و گاه آشپزی مشغولند، درحالی‌که فعالیت‌های درون خانه دختران طبقه پایین را بیشتر کمک به مادر در امور خانه، گوش دادن به موسیقی فارسی و پیگیری سریال‌های تلویزیونی کانال‌های مختلف تشکیل می‌دهد» (ربانی، ۱۳۸۸: ۲۲۹).

«زنان طبقه بالا بیشتر به مسافرت، انجام فعالیت‌های هنری، شرکت در مراسم و میهمانی‌ها، رفتن به سینما و ورزش می‌پردازند. این درحالی است که پرداختن به فعالیت‌هایی چون گردش در شهر، گپ زدن با اعضای خانواده، تماشای تلویزیون، بازی رایانه‌ای، خوابیدن و گوش دادن به موسیقی که به نظر کم‌هزینه‌تر می‌آید، بیشتر مورد توجه دختران طبقه پایین است» (همان: ۲۳۹).

در پژوهش «تبیین جامعه‌شناختی فعالیت‌های فراغتی دختران جوان» که با تأکید بر عوامل آسیب‌شناختی انجام شده، محققان به کمک تحلیل عاملی، پرداختن به فعالیت‌های ورزشی، رفتن به سینما با اعضای خانواده، مطالعه داستان و غیره، رفتن به کلاس‌های هنری، تماشای فیلم‌ها و برنامه‌های سرگرم‌کننده را فراغت سالم و رفتن به کافی‌شاپ و رستوران با دوستان دختر یا پسر، گشتن در مراکز خرید، تماشای ماهواره، گفت‌وگوی اینترنتی و تفریحات خارج از منزل با دوستان پسر در مقوله فراغت‌های آسیب‌زا جای داده‌اند. بر این اساس ۸۱ درصد از پاسخگویان فراغت خود را با فعالیت‌های به نسبت سالم، ۱۲ درصد با فعالیت‌های سالم و تنها ۶ درصد به فراغت آسیب‌زا می‌پردازند (رفعت‌جاه و دیگران، ۱۳۸۹).

پژوهش پهلوان (۱۳۹۰) نشان داد: تحصیلات والدین، مشارکت اجتماعی دختران،

وضعیت اقتصادی خانواده، رشته تحصیلی، دسترسی به امکانات و در نهایت همسالان رابطه معناداری با تمایل دانش‌آموزان به شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت دارد. یافته‌های توصیفی تحقیق که بین ۳۸۰ تن از دختران ۱۸-۱۵ ساله شهر آمل انجام شده، نشان می‌دهد: دختران به فراغت‌های بیرون از خانه از جمله ورزش، سینما، موزه، پارک، کافی‌شاپ، مسافرت و رفتن به مراکز خرید و قدم زدن در خیابان‌های تمایل بیشتری دارند تا فراغت‌های درون خانه.

مهراد (۱۳۹۰) از طریق پژوهش در میان ۶۲۰ نفر از نوجوانان ۱۷-۱۲ ساله استان لرستان، فعالیت‌های هنری فرهنگی (نقاشی، خطاطی، کارهای دستی، خیاطی و موسیقی)، تفریح (گردشگری، تماشای تلویزیون، رفتن به پیک نیک، دیدن فیلم‌های سینمایی، گوش دادن به موسیقی و تفریحات اینترنتی)، مطالعه آزاد، فعالیت‌های مذهبی، مهارتی (آموزش رایانه، آموزش هنرهای تجسمی، گرافیک، و نواختن آلات موسیقی)، وقت‌گذرانی (بازی‌های رایانه‌ای، قدم زدن در پارک‌ها، مسافرت کوتاه داخل استانی، نشستن در کافی‌شاپ، خیابان‌گردی با دوستان، مطلوب و نامطلوب را به‌عنوان فعالیت‌های فراغتی آنان برمی‌شمرد. جالب اینکه نوجوانان بیشتر به دنبال فعالیت‌های فردی غیرفعال هستند که پیامد آن، انزوای طلبی، خستگی و دغدغه‌های نوجوانی است. محقق می‌آورد: «از آنجا که زمینه فرهنگی اجتماعی در لرستان برای دختران و پسران نوجوان یکسان است، چگونگی گذران اوقات فراغت این دو جنس تقریباً شباهت دارد و در گرایش به فعالیت‌های هنری، ورزشی، مطالعه آزاد و وقت‌گذرانی مطلوب تفاوتی بین آنان وجود ندارد. تنها تفاوت عمده این است که نوجوانان دختر وقت‌گذرانی نامطلوب ندارند که این امر می‌تواند دلیل فرهنگی داشته باشد. فرهنگ حاکم بر جامعه لرستان آنان را به ماندن در منزل و سرگرمی‌هایی از قبیل مطالعه آزاد، فعالیت‌های هنری در جمع خانواده فرامی‌خواند» (مهراد، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

شفیعی (۱۳۹۳) با تحلیل داده‌های حاصل از پیمایش در میان نمونه ۴۰۰ نفری از دختران ۱۸ تا ۲۹ ساله منطقه ۱ و ۳ به‌عنوان مناطق بالا، منطقه ۸ و ۱۲ طبقه متوسط و منطقه ۱۷ و ۱۹ به‌عنوان مناطق پایین شهر تهران، فراوانی پرداختن پاسخگویان به سه دسته فراغت رایج را گزارش داده است. نتایج نشان می‌دهد: در مقوله تجربه فراغتی فضاهای فرهنگی هنری شهر، دختران به ندرت سینما و غالباً (حدود ۶۰٪) هرگز به تئاتر، کنسرت و موزه و گالری هنری نرفته‌اند. در مقوله تجربه فراغتی فضاهای خدماتی رفاهی شهر، پارک در

مقایسه با رستوران و کافی شاپ با استقبال بیشتری روبه‌رو شده و بیشتر دختران جوان پاسخگو (۳۵/۴ درصد) گزارش داده‌اند که گاهی به پارک می‌روند. در مقوله تجربه فراغتی خیابان باید گفت: هرچند بیشتر دختران (حدود ۳۰ درصد) به ندرت به دور زدن در خیابان با ماشین به قصد گردش می‌پردازند، نسبت کسانی که گاهی و بیشتر مواقع چنین مصرف فراغتی از فضای خیابان دارند (۴۲٪) قابل توجه است. پاساژگردی، گردش در خیابان برای خرید نیز مورد استقبال بیشتر پاسخگویان (نزدیک به ۳۵ درصد) بوده است. در مجموع و با توجه به مقایسه میانگین‌ها، میزان پاساژگردی از پرداختن به سایر فراغت‌ها در فضاهای شهری بیشتر است. نتایج تبیینی نشان می‌دهد: بر اساس اندازه‌های پیوستگی و آزمون‌های معناداری، روال کلی نشان می‌دهد: با افزایش سرمایه اقتصادی دختران، شاهدیم که بهره‌گیری آنان به ترتیب از فضاهایی چون رستوران، کنسرت، تئاتر، سینما و کافی شاپ بیشتر می‌شود. همچنین در سطح معناداری می‌توان ادعا کرد: میان سرمایه فرهنگی و پرداختن به این فراغت‌ها رابطه وجود دارد.

در عین حال باید گفت: با توجه به سطح معناداری میان میزان رفتن به پارک و نیز پاساژگردی و گردش در خیابان برای خرید و برخورداری از دو نوع سرمایه، رابطه همبستگی دیده نمی‌شود. نکته قابل توجه آن است که دور زدن در خیابان به قصد گردش با هر دو نوع سرمایه رابطه دارد. با وجود این، میان این متغیر با سرمایه اقتصادی رابطه قوی‌تری برقرار است. توضیح آنکه تمتع مالی و برخورداری از حداقلی از رفاه، با تملک ماشین در ارتباط است. بنابراین دختران دارای سرمایه اقتصادی بالاتر امکان دسترسی بیشتری به ماشین و دور زدن در خیابان به قصد تفریح دارند.

۴. نگاهی به یافته‌های پژوهشی پهن دامنه

بنا به گزارش رفتارهای فرهنگی ایرانیان (۱۳۷۸) تفکیک هر مؤلفه فرهنگی گویای ویژگی‌های زیر است:

۵۲/۴ درصد از جمعیت با سواد شهر تهران که اهل مطالعه هستند (قرآن و کتب ادعیه مستثنی است) را زنان تشکیل داده‌اند. در حوزه کتب کودک و نوجوان، شعر و ادب، رمان و داستان، کتب دینی، کتب کمک درسی زنان بیش از مردان علاقمندی خود را به مطالعه ابراز داشته‌اند. تنها در مورد مطالعه کتب تاریخی این نسبت به نفع مردان و برعکس است. بر حسب تنوع مقولات کتاب (بین ۹-۱ با احتساب صفر برای کسانی که اهل مطالعه

نیستند) زنان شهر تهران تنوع بیشتری در مطالعه کتاب گزارش داده‌اند. در خصوص زمان مطالعه نیز باید گفت: در میان جمعیت باسواد، مطالعه زنان بیش از مردان (۶۵ دقیقه در برابر ۴۸ دقیقه در هفته) است. در جمعیت اهل مطالعه زنان اندکی بیش از مردان وقت صرف مطالعه می‌کنند. در زمینه امانت کتاب، زنان بیش از مردان از کتابخانه عمومی، کتابخانه محل تحصیل، دوستان و آشنایان و کتابفروشی کتاب امانت می‌گیرند، به طوری که امانت کتاب از دوستان و آشنایان و کتابخانه محل تحصیل در اولویت است.

مردان بیش از زنان (۶۵/۴ درصد در برابر ۵۶ درصد) اهل مطالعه مطبوعات در زمان فراغت خود هستند. زنان بیش از مردان (۳۷/۴ درصد در برابر ۳۳/۴ درصد) از رادیو استفاده می‌کنند. متوسط زمان گوش دادن رادیو نیز در نزد زنان بیش از مردان است. زنان بیش از مردان (۹۵/۳ در برابر ۹۴/۸ درصد) به تماشای تلویزیون می‌پردازند. متوسط زمان تماشای تلویزیون در شبانه‌روز نیز در نزد زنان بیش از مردان است. زنان (۷۹/۲ درصد) بیش از مردان (۷۶ درصد) به تماشای برنامه‌های ویدئو می‌نشینند. در مقایسه با مردان، بیشتر برنامه و فیلم‌های آموزشی، سینمایی، موسیقی و شو و مذهبی می‌بینند. استفاده از نوارهای صوتی در میان زنان (۷۰/۸ درصد) بیش از مردان (۶۳/۸ درصد) رایج است. آنها در مقایسه با مردان بیشتر به نوارهای آموزشی، موسیقی، قصه و قرآن گوش می‌دهند. اما در رابطه با نوارهای عزاداری نسبت جنسیتی برابر است. زنان (۷۲/۶ درصد) بیش از مردان (۶۰/۱ درصد) به سینما می‌روند. به لحاظ انجام انواع فعالیت‌های مذهبی جدول زیر بر اساس درصد حضور دو جنس ارائه شده است:

جدول ۸. درصد حضور زنان و مردان در فعالیت‌های مذهبی

	جلسات جشن و سرور مذهبی	روضه و عزاداری	سخنرانی مذهبی	جلسات دعا	جلسات قرآن	نماز جماعت مساجد	نماز جماعت محل کار تحصیل	زیارت اهل قبور	رفتن به زیارتگاه
مرد	۲۶/۱	۴۲/۲	۱۹/۴	۲۰/۷	۱۲/۴	۲۳/۶	۱۰	۴۱/۶	۴۳
زن	۵۴/۱	۶۲/۵	۲۳/۲	۳۸/۷	۳۲/۵	۲۴/۹	۸/۹	۴۸/۷	۵۲/۳

آشکارا حضور زنان در فعالیت‌های مذهبی از مردان پر رنگ‌تر است. به لحاظ متوسط انجام فعالیت‌های مذهبی باید گفت: زنان ۵ ساعت بیشتر وقت خود را صرف این امور می‌کنند. به علاوه مشارکت اجتماعی زنان در انجمن‌های علمی، انجمن خانه و مدرسه،

انجمن اسلامی و کانون‌های فرهنگی و اختصاص وقت به این امور بیشتر از مردان بوده است.

ریاضی (۱۳۹۲) به تحلیل ثانویه داده‌های تحقیقی پرداخته که در سال ۱۳۸۳ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بین ۸۹۶۴ نمونه ۶۴-۱۵ از سراسر کشور انجام شده است. محقق در تحلیل داده‌ها آورده است: «مردان بیشتر از زنان ورزش می‌کنند. قدم زدن الگویی مردانه است و در بین مردان رواج بیشتری دارد. زنان تقریباً کمی بیش از نصف مردان ورزش می‌کنند. رفتن به پارک نزد مردان بیشتر از زنان رایج است. زنان به میزان کمی از پارک استفاده می‌کنند. رفتن به مسجد در بین مردان رواج بیشتری دارد. استراحت در خانه شیوه اصلی گذران اوقات فراغت نیمی از زنان است. در حالی که ۴۰ درصد مردان این روش را برای گذران اوقات فراغت پیش می‌گیرند. انجام امور دینی به منزله شیوه گذران اوقات فراغت در بین زنان بیشتر از مردان مشاهده می‌شود. با افزایش سن، به این گرایش افزوده می‌شود و برعکس با افزایش تحصیلات، از گرایش به این نوع فعالیت کاسته می‌شود. تماشای تلویزیون اصلی‌ترین شیوه گذران وقت در جامعه ایران امروز است» (ریاضی ۱۳۹۲: ۱۴۸).

یافته‌های طرح «بررسی کالاها و خدمات فرهنگی شهروندان تهرانی در سطح محله‌ای» با تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش بررسی کالاها و خدمات فرهنگی شهروندان تهرانی در سطح محله‌ای که در محلات ۳۷۱ گانه شهر تهران در سال ۱۳۸۸ انجام شد. زنان شهر تهران بر حسب محل سکونت خود حداقل سه نوع سبک زندگی را بر حسب فعالیت‌های فراغت بروز می‌دهند. تماشای تلویزیون به عنوان رسانه‌ای جمعی مورد کاربرد بیشتر زنان در طرح مذکور بوده است. در میان خوشه‌ها، خوشه ۱، ۲ و ۶ بیشترین میزان استفاده را داشته‌اند. تماشای شبکه‌های ماهواره نیز در میان خوشه‌های ۵ و ۲ مورد بیشترین استقبال بوده است. یک تعبیر می‌تواند بر این استدلال تأکید کند که زنان در خوشه‌هایی که از لحاظ اقتصادی پایین‌ترین، با بی‌سوادی بالا و مهاجرت زیاد و یا کم هستند از این فراغت کم‌هزینه (به‌ویژه تلویزیون که در مقایسه با ماهواره طرفداران بیشتری در میان زنان دارد) استفاده می‌کنند. در مقابل خوشه ۸ و ۹ که از لحاظ اقتصادی متوسط رو به بالا و بالا، بی‌سوادی کم هستند کمتر تلویزیون می‌بینند و برنامه‌های دیگری را در اوقات فراغت خود گنجانیده‌اند. مجله، مورد استقبال زنان خوشه ۵ و کتاب در میان زنان خوشه ۱۰ و ۵

بیشترین مصرف را به ثبت رسانده است. خوشه ۵ متشکل از کسانی است که از لحاظ اقتصادی متوسط رو به پایین، دارای بی‌سوادی کم و مهاجرت کم هستند. بجز عامل اقتصادی شاید بتوان گفت: بی‌سوادی کم و جمعیت غیر مهاجر از جمله عوامل ایجاد نوعی سرمایه فرهنگی است که مطالعه را ارج نهاد، در برنامه‌های فراغتی می‌گنجاند. در مقابل زنان ساکن در خوشه ۱ و ۲ هستند که از لحاظ اقتصادی در شرایط نامطلوبی قرار دارند و به علت بی‌سوادی نمی‌توانند از مطالعه سود جویند. تئاتر و سینما کمترین اقبال را در میان زنان خوشه ۱ و ۴ داشته است. غیر از عامل اقتصادی، فقدان امکانات و سالن‌های نمایش می‌توان گویای این شرایط، به‌ویژه در محلات این خوشه‌ها باشد. تئاتر به‌عنوان برنامه فرهنگی پرهزینه در میان زنان خوشه ۱۰ و ۹ و سینما در میان زنان خوشه ۱۰، ۷ و ۸ بیشترین مصرف را دارد. در کنار بالا بودن سطح زندگی و برخوردارگی مالی، سرمایه فرهنگی نیز می‌تواند دلیلی برای استقبال زنان این خوشه‌ها از سینما و به‌ویژه تئاتر باشد. شرکت در جلسات روضه و عزاداری و زیارت امامزاده و اماکن زیارتی در میان زنان خوشه ۸ و ۹ کمترین اقبال را داشته است. نوع سرمایه فرهنگی ساکنان محلات، علی‌رغم دسترسی بالا (قرار گرفتن برخی از امامزادگان، به‌ویژه در محلات خوشه ۹) می‌تواند دلیل این رفتار فرهنگی فراغتی به شمار رود. در نقطه مقابل اما ساکنان خوشه ۳ و ۱ که شرایط اقتصادی نسبتاً نامطلوبی را تجربه می‌کنند و نرخ بی‌سوادی بالایی دارند، بیشترین میزان شرکت در جلسات روضه و عزاداری و زیارت امامزاده را گزارش داده‌اند. هر چند شاید سیطره روحیه تقدیرگرایی در میان این گروه از پاسخگویان یکی از دلایل این نرخ مصرف باشد، باید اذعان داشت که این فراغت‌ها از جمله فراغت‌های کم‌هزینه نیز محسوب می‌شود و از این لحاظ با شرایط معیشتی و استمدادطلبانه طبقات پایین مرتبند. رفتن به کافی‌شاپ و قهوه‌خانه علی‌رغم انتظار و به‌طور شگفت‌انگیزی در میان زنان ساکن خوشه ۷ بیشترین رواج را دارد. به نظر می‌رسد که برخی از زنان جوان این خوشه که از لحاظ اقتصادی متوسط رو به بالا، دارای نرخ بی‌سوادی کم و مهاجرت کم هستند، به لحاظ رفتارهای فرهنگی برخی الگوهای کم‌سابقه را همچون کشیدن قلیان (معمولاً در معیت دوستان غیرهمجنس) تجربه می‌کنند. رفتن به کافی‌شاپ نیز هر چند با برخوردارگی مالی ارتباط دارد، اما می‌تواند به دلیل فقدان فضاهای صمیمی دو جنس در حوزه عمومی، مصرفی ناهماهنگ با سیاست‌های فرهنگی نظام اسلامی باشد. در مجموع می‌توان این اقبال

زنان جوان ساکن در خوشه ۷ را نشانه نوعی خرده فرهنگ رایج در کلانشهر تهران دانست که به طور پنهانی دور از بایدها و نبایدهای فرهنگ رسمی در حال زیست است. از میان فعالیت‌های تفریحی اجتماعی، رفتن به پارک و قدم زدن در خیابان در میان زنان ساکن در خوشه ۶ مورد بیشترین استقبال قرار گرفته است. دو فرض در این باره متصور است: نخست، وجود سرانه بالا فضای سبز از جمله گردشگاه و پارک، ولو پارک‌های کوچک و مراکز خرید و از این قبیل به عنوان دلیل این اقبال و دوم در نقطه مقابل فقدان دسترسی به فضای سبز. با این استدلال که رفتن به پارک معمولاً در معیت خانواده است و زنان به عنوان یکی از فراغت‌های جمعی در کنار خانواده به گردش و تفریح می‌روند، احتمالاً از گردشگاه‌های سایر مناطق بدین منظور استفاده می‌کنند. اما به طور قطع زنان ساکن در خوشه‌های ۸ و ۹ کمترین دسترسی را به پارک و اماکن تفریحی دارند. پژوهش‌های آتی علاوه بر روشن ساختن صحت ابعاد این مفروض، باید این احتمال را در نظر داشته باشد که اساساً زنان ساکن در خوشه ۸ و ۹ به علت اشتغال به کار دستمزدی و امثالهم تمایلی به گشت و گذار و یا اساساً فرصتی برای این فراغت ندارند.

بر این اساس می‌توان سنخ‌بندی دیگری بر حسب خوشه محل زندگی از سبک فراغتی زنان ارائه داد و حداقل سه نوع الگوی سبک فراغتی را به منزله انتخاب‌های فراغتی مشابه در میان زنان ساکن در خوشه‌های نظیر برشمرد: سبک فراغتی زنان در خوشه‌های بالا، متوسط و پایین. به طور مثال تماشای تلویزیون و ماهواره، شرکت در جلسات روضه و عزاداری و زیارت امامزادگان و اماکن زیارتی از جمله الگوهای فراغتی سبک زندگی زنان ساکن در خوشه‌های پایین، رفتن به کافی شاپ و قهوه خانه، رفتن به پارک و قدم زدن در خیابان و مطالعه مجله از جمله الگوهای فراغتی سبک زندگی زنان ساکن در خوشه‌های متوسط و مطالعه مجله، رفتن به تئاتر و سینما از جمله الگوهای فراغتی سبک زندگی زنان ساکن در خوشه‌های بالا است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دید کلی حاصل از تحلیل ثانویه یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که در مجموع زنان در مقایسه با مردان زمان فراغت کمتری دارند. زنانه پنداشته شدن کار خانگی، به تقسیم نابرابر آن و در نتیجه کمبود وقت فراغت زنان منجر می‌شود. وجود کودکان و کهنسالان در خانواده بر دشواری این امر می‌افزاید، چراکه زنان عهده‌دار وظایف حمایتی و مراقبتی

از آنان هستند. داده‌هایی از کاربرد وسایل تکنولوژیک جدید در امور خانه داری و تأثیر آن بر چگونگی توزیع زمان زنان وجود ندارد، اما بی‌شک این ابزارها به جهت هزینه بالا، تنها زنان طبقات بالا و متوسط را در تقلیل زمان مصرفی منتفع می‌سازد و زنان طبقات فرودست همچنان به شیوه‌های سنتی به انجام امور خانه می‌پردازند.

اوقات فراغت زنان بیشتر در خانه سپری می‌شود. استراحت در منزل شیوه اصلی گذران اوقات فراغت آنان است تا مردان. الگوهای گذران فراغت خارج از خانه نیز شکلی جمعی دارد. انجام امور دینی به منزله شیوه گذران اوقات فراغت در بین زنان بیشتر از مردان مشاهده می‌شود. توجه داشته باشیم که فراغت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی گویای واقعیتی دو بعدی است: باورها، ایستارها و ارزش‌ها از یک سو و کنش از سوی دیگر. بنابراین آنچه در تعاریف عرفی و سنتی از نقش زن ارائه شده در فراغت آنان نیز نمود می‌یابد. گذران فراغت در خانه و یا در معیت خانواده در خارج از خانه (از جمله گردش و تفریح، مسافرت و از این قبیل) امتداد نقش سنتی از زن است که با محوریت خانه و خانواده تبیین می‌شود. حال آنکه با تحولات شهرنشینی، بروز تقاضاها و اقتضائات جدید، دگرذیسی نقش‌های دو جنس، تجربه حضور اجتماعی زنان نشان می‌دهد: آنان در بعد عینی با ورود به بازار کار و عرصه آموزش و در بعد ذهنی با مصرف قابل توجه رسانه در مقتضیات متفاوتی خود را تعریف می‌کنند و خواهان بازنگری سایرین از جمله مرد ایرانی نیز هستند.

مطالعه تطبیقی گذران فراغت زنان در ایران نسبت به سایر کشورها نشان می‌دهد: درحالی که در انگلستان و آمریکا مردان بیش از زنان به تماشای تلویزیون می‌نشینند، در ایران این نسبت معکوس است و تماشای تلویزیون برنامه فراغتی اصلی همه گروه‌های سنی زنان محسوب می‌شود. مطالعه در نقطه مقابل در انگلستان و آمریکا از جمله فراغت‌هایی است که زنان را بیش از مردان مجذوب خود ساخته، درحالی که در ایران برعکس، زنان به مراتب کمتر از مردان به مطالعه می‌پردازند. در آمریکا تأهل باعث کاهش گرایش زنان به مطالعه نشده و گروه میانسالان از جمله طرفداران اصلی این فراغت هستند. حال آنکه در ایران مطالعه کتاب، به‌ویژه در میان جمعیت در حال آموزش رسمی (نوجوانان و جوانان) رواج بیشتری دارد. با افزایش سن و ورود به دوران میانسالی، شاهد حضور زنان در سازمان‌های مدنی و مذهبی در آمریکا هستیم. این مشارکت به اندازه‌ای است که نه تنها

تأهل از میزان آن نکاسته، بلکه موجب افزایش آن شده، درحالی که در ایران نرخ مشارکت مدنی و فعالیت در سازمان‌های خیریه مذهبی آنچنان که دیدیم اساساً پایین است. سفر و کار تفریحی با رایانه در ایران نیز مانند آمریکا البته احتمالاً به میزان به شدت پایین تری در برنامه فراغتی زنان مجرد جای می‌گیرد تا زنان متأهل. درحالی‌که در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، خرید فعالیت‌های زنانه است که زنان بخشی از فراغت خود را بدان اختصاص می‌دهند، باید گفت: در ایران نیز زنان اقبال زیادی به گشت و گذار در بازار و خیابان دارند. البته سهم خرید و گشت‌زنی در این فراغت مبهم است. یافته‌های حاصل از مطالعه وضعیت کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه گویای واقعیت مهم دیگری است. کاهش سن بازنشستگی زنان موجب شده آنان سال‌های بازنشستگی بیشتری را در مقایسه با مردان در پیش رو داشته باشند. با توجه به وضعیت هرم جمعیتی در ایران در سه دهه آینده، این امر شکل جدی تری به خود خواهد گرفت. چالش‌زایی این وضعیت با توجه به عدم برنامه‌ریزی، ضعف در سیاست‌گذاری همه‌جانبه و نیز ایجاد و ارائه امکانات فراغتی به تفکیک جنس و بر حسب دوره زندگی، بحران‌هایی را در سطوح فردی و اجتماعی به دنبال خواهد داشت.

جدول ۹. خلاصه یافته‌های پژوهشی مرتبط با فراغت زنان از منظر جامعه‌شناسی

فراغت	محقق	دوای	مباح	رجهی	گذران فراغت زنان میانسال			گذران فراغت زنان جوان						
					تندویس	هستی	ریاضی	صادق	قائم	ربانی	رفعت‌چاه	پهلوان	شبهی	
سینما		*												
دیدار دوستان		*	*	*										
تماشای تلویزیون		*	*	*			*	*	*					
جلسات مذهبی			*											
حل جدول				*										
استراحت							*							
گفت‌وگوی تلفنی								*						
فعالیت هنری														
مطالعه آزاد کتاب											*			
گوش دادن به موسیقی											*			
پاساژ و خیابان‌گردی											*			
پارک											*			
گشتن با ماشین											*			
انجام امور دینی							*							

تحلیل یافته‌های پژوهشی در دسترس برحسب دوره زندگی زنان شهری، نتایج زیر را دربرداشت: در میان زنان جوان تماشای تلویزیون، مطالعه آزاد، فعالیت هنری، تماشای ماهواره، دسترسی به منابع اطلاعات در اینترنت و به‌طور خاص نوازندگی، گوش دادن به موسیقی، تماشای ماهواره، مطالعه، مسافرت، رفتن به سینما و دور دور در میان دختران طبقه بالا، کمک به مادر در امور خانه، گوش دادن به موسیقی ایرانی، تماشای تلویزیون، مطالعه رمان و گشت و گذار در شهر در میان دختران طبقه پایین رواج دارد. پاساژگردی و گردش در خیابان برای خرید و رفتن به پارک از جمله فعالیت‌های رایج در میان دختران جوان فارغ از پایگاه طبقاتی و سرمایه اقتصادی آنان است. در میان زنان میانسال تماشای تلویزیون، گفت‌وگوی تلفنی، بودن در کنار خانواده، هم‌صحبتی، استراحت، انجام مستحبات مذهبی، رفتن به پارک، شرکت در میهمانی، گردش و تفریح با خانواده، قدم زدن در بازار، مسافرت و گوش دادن به موسیقی از برنامه‌های اصلی گذران فراغت محسوب می‌شود. دیدار دوستان، تماشای تلویزیون، فعالیت‌های گروهی، شرکت در جلسات مذهبی از جمله برنامه‌های فرهنگی فراغت زنان سالمند است. بر این اساس و با توجه به اهمیت برنامه‌های گذران فراغت به‌عنوان مؤلفه سبک زندگی می‌توان گفت: زنان شهری (با تأکید بر ساکنان تهران) بر حسب دوره زندگی حداقل سه نوع سبک زندگی را بروز می‌دهند: سبک زندگی جوانان، میانسالان و سالمندان. سبکی که از جنبه تفریحی تعریف می‌شود و گویای الگوی خاص فعالیت‌های فراغتی روزمره و منحصر به افراد در یک گروه سنی است؛ انتخاب‌های فراغتی مشابه در میان زنان هم سن که خود مستلزم مجموعه‌ای از عادات و ارزش‌ها در میدان عمل اجتماعی است.

استنباط کلی آن است که اوقات فراغت زنان شهرنشین به مثابه حوزه‌ای در مطالعات سبک زندگی آنان بر اساس وضعیت طبقاتی و شکاف جنسیتی به‌عنوان متغیر فراطبقاتی تبیین می‌شود و از این رو در راستای مبانی نظری، به‌ویژه مباحث روجک، گرین و هارگریوز است. بنابراین انتخاب فردی در چنبره این دو متغیر چندان تاب مقاومت ندارد. این به معنای فقدان آزادی انتخاب نیست، بلکه گویای سیطره متغیر جنسیت و طبقه است. با این همه نباید تنها به این متغیرها بسنده کرد، بلکه باید گفت: شناخت ما از وضعیت فراغت زنان به هیچ وجه کامل نبوده و نیست و این حیطة دارای ضعف اطلاعاتی است. کمبود وقت، عهده‌داری کارخانگی در کنار مراقبت از کودکان و سالمندان، دانستن

جای زن در خانه، احساس عدم امنیت در حوزه عمومی، دسترسی به منابع مالی کمتر، سیطره الگوی فراغت خانوادگی بر برنامه‌های گذران فراغت زنان، کمبود تسهیلات زیربنایی از جمله مجموعه‌های چندمنظوره فرهنگی ورزشی با قابلیت نگهداری کودکان، پارک‌های بانوان، حمل و نقل ارزان با قابلیت دسترسی به مراکز مذکور از جمله مهم‌ترین موانع دسترسی زنان به گذران فراغت مطلوب است. رفع این موانع در گرو اهمیت دادن به وضعیت زنان در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های فراغت است.

با توجه به مصرف فراغتی چشمگیر تلویزیون از یک سو و تعداد کانال‌های ماهواره‌ای و حجم برنامه‌های تولیدی، به‌ویژه شبکه‌های فیلم و سریال عامه‌پسند باید گفت: سیاست‌گذاری‌ها باید معطوف به تولید محصولات فرهنگی، بصری فاخر باشد. این مهم در گرو سرمایه‌گذاری گسترده و نیز پرورش فیلمنامه‌نویسان و هنرمندان متخصص، متعهد و خلاق است. ظرفیت‌سازی در این حوزه ضمن رفع آسیب‌های متبادر احتمالی به اشاعه، بازتولید و استمرار سنت‌های فرهنگ بومی و حفظ ارزش‌ها و ایستارهای کنشگران ایرانی کمک شایانی خواهد کرد. تولیدات فرهنگی باید بر اساس نیازسنجی مخاطبان به تفکیک جنس، پاسخگوی مطالبات فراغتی آنان باشد. در میان رقبای قدرتمند خارجی با جذابیت و استفاده از عناصر بومی اسلامی از جمله تاریخ و آداب و رسوم و ادب فارسی سر بر آورد و ضمن توجه به سازوکارهای جامعه مدرن، به جذب مخاطب بپردازد.

احداث پارک‌ها و فضاهای فراغتی، از جمله راه‌اندازی مراکز تفریحی ورزشی چندمنظوره در کلانشهرها که امکان خدمات‌رسانی زنان شاغل دارای فرزندان خردسال را داشته باشد، از جمله اقدامات مفید در راستای مصوبه عفاف و حجاب شورای عالی انقلاب فرهنگی است که همچنان مورد بی‌مهری قرار دارد.

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جهت ایجاد و حفظ حمل و نقل ایمن و امن به‌منظور افزایش سطح دسترسی زنان به فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و نیز ورزشی تفریحی بسیار اثربخش خواهد بود. در شرایط فعلی ایجاد امکانات از جمله احداث محدود پارک‌های بانوان بدون توجه به موضوع حمل و نقل ایمن و ارزان، بیشتر زمینه‌های استفاده زنان طبقات متوسط رو به بالا را میسر ساخته است.

۱. طبق آمارهای سایت بانک جهانی از لحاظ نرخ مشارکت در کار در سال ۲۰۰۷، ۱۸ درصد، در ۲۰۰۸، ۱۵ درصد، و در ۲۰۱۰-۲۰۰۹، ۱۶ درصد از جمعیت زنان ۱۵ ساله به بالا از لحاظ اقتصادی فعال بوده‌اند.

در حیطه برنامه‌ریزی پژوهشی با توجه به امواج سخت افزاری و نرم افزاری جهانی شدن و تغییرات اجتماعی فرهنگی حاصل از آن از یک سو و مصرف فراغتی فراگیر ابزارهای ارتباطی از سوی دیگر در کنار ضرورت با توجه به برخی فراغت‌های جدید از جمله انواع کاربری‌های گوشی همراه، سیگار کشیدن، قلیان کشیدن، رقص، آرایش و خودآرایی، گشت زنی با اتومبیل به قصد تفریح و زوج یابی (دور دور)، میهمانی‌های غیررسمی بی‌تکلف و کم‌تعداد مختلط (دوره‌می) و از این قبیل باید گفت: شمول این موارد در طرح‌های پژوهشی ضمن غنای تحقیقات آتی به تدقیق و اعتبار ابزار سنجش فراغت خواهد انجامد. همچنین تمرکز بر چگونگی توزیع وقت و متغیرهایی چون چگونگی تقسیم کار خانگی در این زمینه تأثیرگذار است. اهمیت دوره زندگی، به‌ویژه با توجه به نوپایی مطالعات سالمندی، از دیگر الزامات هر گونه مطالعات آتی فراغت است. همچنین با توجه به میان‌رشته بودن بحث فراغت انتظار می‌رود: علاقمندان به حوزه جامعه‌شناسی سلامت و نیز کارشناسان امر اقتصاد فراغت در انجام مطالعات جامع‌تر مشارکت جویند و از این نظر سیاست‌گذاری مطالعاتی باید این مهم را در نظر داشته باشد. درک ضرورت مطالعات جامعه‌نگر با رهیافت سیاست‌گذارانه به برنامه‌ریزی‌هایی استراتژیک مبتنی بر نیازسنجی جامعه هدف منجر شده و از این نظر ضمن تقلیل آسیب‌های متبادر برای زنان و جامعه، به افزایش مطلوبیت و اثربخشی نظام اجتماعی و نیز کارایی کنشگران اجتماعی خواهد انجامید.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. آبوت و والاس (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
۲. تندنویس، فریدون (۱۳۸۱). «جایگاه ورزش در اوقات فراغت زنان ایرانی»، حرکت، شماره ۱۲: ۸۷-۱۰۴.
۳. حسینی و دیگران (۱۳۸۵). «بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت در بین زنان منطقه تحت پوشش پایگاه تحقیقات جمعیتی دکتر محمد قریب اراک»، ویژه‌نامه تحقیقات جمعیتی، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک: ۲۱-۱۷.
۴. دواتی، علی و اختر جمالی (۱۳۸۳). «بهره‌مندی بازنشستگان شهر تهران از خدمات ویژه اوقات فراغت»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۴، شماره ۱۵: ۱۳۷-۱۲۳.
۵. ربانی، رسول و حامد شیری (۱۳۸۸). «اوقات فراغت و هویت اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات اجتماعی دوره دوم، شماره ۸: ۲۴۲-۲۰۹.
۶. رحیمی، ابوالفضل و همکاران (۱۳۸۹). «تجارب سالمندان تهرانی در زمینه اوقات فراغت و تفریحات»، سالمند، سال ۵، شماره ۱۵: ۷۷-۶۱.
۷. رفعت جاهد، مریم و دیگران (۱۳۸۹). «تبیین جامعه‌شناختی فعالیت‌های فراغتی دختران جوان»، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۳، شماره ۵۰: ۸۰-۲۹.
۸. ریاضی، سیدابوالحسن (۱۳۹۲). «تصویری از فرهنگ مصرفی جامعه ایران با استفاده از داده‌های یک همایش ملی پیرامون گذران اوقات فراغت»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ششم، شماره ۴.
۹. شفیعی، سمیه‌سادات و طاهره قادری (۱۳۹۰). «عوامل مرتبط با رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۲.
۱۰. صادقی، رسول، اسماعیل بلالی، احمد محمدپور (۱۳۸۹). «نابرابری اجتماعی در حوزه فراغت»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۰، شماره ۳۹: ۳۸۹-۳۵۷.
۱۱. عصاره، علیرضا (۱۳۷۷). «خانواده و ضرورت توجه به اوقات فراغت فرزندان»، ماهنامه پیوند، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش، شماره ۲۲۷-۲۲۵.
۱۲. قائم، هاله و دیگران (۱۳۸۷). «چگونگی گذران اوقات فراغت و همبسته‌های آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۸(۱): ۸۰-۷۱.
۱۳. قنبریان، شیوا، حمیدرضا وارثی و حسن بیگ محمدی (۱۳۹۰). «بررسی انتخاب مکان گذران اوقات فراغت سالمندان با تأکید بر عوامل فردی»، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۲، شماره ۴۲.
۱۴. کوهستانی، حسینعلی و خلیل‌زاده (۱۳۷۸). پژوهشی در اوقات فراغت و راه‌های بهروری از آن، مشهد: تیهو.
۱۵. لیاقتی، هومن و دیگران (۱۳۸۹). «واکاوی ویژگی‌ها و الگوهای فراغتی در گردشگری شهری»، محیط‌شناسی، سال ۳۶، شماره ۵۵: ۳۶-۲۵.

تأملی بر یافته‌های پژوهشی فراغت زنان از منظر جامعه‌شناسی ۳۰۷

۱۶. مداح، سیدباقر (۱۳۸۸). «وضعیت فعالیت‌های اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت در سالمندان ایران و سوئد»، سالمند، سال ۳، شماره ۸: ۵۹۷-۶۰۶.
۱۷. مهرداد، حسین (۱۳۹۰). «چگونگی و آسیب‌شناسی اوقات فراغت نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ ساله استان لرستان»، اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال هفتم، شماره ۱.
۱۸. میرهاشمی، مالک و دیگران (۱۳۸۶). «مدت و نحوه گذران اوقات فراغت کارکنان اداری دانشگاه آزاد اسلامی»، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، شماره ۱۳: ۷۷-۹۸.

ب) منابع لاتین

1. Binns, D. and Mars, G. (1984). "Family , Community and Unemployment: A study in change", Sociological Review, vol. 32, no. 4 .
2. Burda, Mc, Ds. Hamermesh and P. Weil (2007). "Total Work, Gender and Social Norms", IZA Discussion Paper No. 2705, Institute for the Study of Labor, Bom, March .
3. Deem, R. (1982). "Women, Leisure and Inequality", Leisure Studies, vol. 1: 26-29.
4. Edington, C. (1993). Leisure Programming, US .
5. Furlong, A & Cartmel (1997). Leisure and Lifestyle in Young People and Social Change, Open University Press.
6. Green (1990). Women's Leisure, What's Leisure ?, Macmillan Press: London .
7. Hargreaves, J. (1989). The Promise and Problems of Women's Leisure and Sport in Chris Rojek , Leisure for Leisure, Venture publishing: state collage
8. Ilahi, N. (2000). "The Intera -household Allocation of Time and Tasks: What have we Learnt from Empirical Literature?", Policy Research Report on Gender and Development, World Bank Working Paper Series, No13, June .
9. Lundberg, A. (1934). Leisure, A Suburban Study, Columbia Press .
10. May, H. & Petgen (1928). Leisure and Its Use, Barnes Co.
11. Neumeyer, E. (1993). Leisure and Recreation, New York.
12. Parker, S. (1976). The Sociology of Leisure, George Allen & Unwin LTD: London.
13. Rojek, C. (1995). Decentring, Leisure, Sage: London .
14. TÁRKIEuropean Social Report (2009). http://www.tarki.hu/en/research/european_social_report/european_social_report_2009_full.pdf.
15. UNDP(2000). Human development Report: <http://hdr.undp.org>.